

که تعیین شده است فرستاده شود بهتر است چون این مأمور رسمی دولتی است و یک مخارج علیحده هم برای اینکار تعیین نخواهد شد اگر از برای اینکار یک نفر فرستاده شود یکوقت مخارج و مقرری خواهد داشت و اینکه چه توسط یک نفر علیحده و چه توسط این مأمور فرستاده شود در هر صورت مقصود بعمل می آید ولی عرض بنده این است که از این راه باریک مخارج فوق العاده برای دولت فراهم نشود و خود حضرات آیة الله هم گمان میکنند که توسط مأمور رسمی دولتی که بدون یک مخارج علیحده تقدیم شود بهتر نصیب نمایند.

حاج آقا - بنده میخواهم متذکر بشوم خاطر آقایان را که امروز میخواهند یک امر مهمی را اقدام نمایند و یک حق شناسی را اظهار نمایند نسبت به کسانی که زحمات و خدمات آنها را اسلام و اسلامیت و بحال حیات ایران بزرگترین خدمتی است که در تاریخ نوشته و ضبط شده است و باید در مقابل این خدمت بزرگ تشکری که اظهار میشود باید از طرف هیئت مجلس شورای ملی و میان ملت باشد که احساسات ملی تقدیم شده باشد پدیده است که یک همچو تشکری که از طرف مجلس شورای ملی بحضرات آیات الله تقدیم میشود نباید بکنگری که نوکر وزارت خارجه است (گفتند نوکر دولت است نه وزارت خارجه) و مأمور است بهراق و در حقیقت نوکر دولت حامل یک همچو احساسات ملی باشد (در این موقع از طرف جمعی اظهار مخالفت شد) هر کسی حرف دارد بعد از آنکه حرف من تمام شد برمیخیزد میرود آنجا و حرف خودش را میگوید عجب نظم را ملاحظه میکنند بنده عرض میکنم همانطوریکه سایر لویای تشکر که تقدیم شد بسرداران ملی از طرف مجلس شورای ملی و هیئت رئیسه برده شد این لویا چرا که احساسات ملی است و از طرف مجلس شورای ملی تقدیم می شود باید توسط یک نفر نمایند که بوکالت ملت شناخته می شود فرستاده و این قسم لویا را که احساسات ملی و نمایش یک ملت است نمی تواند یک نفر مأمور دولتی که از طرف وزارت خارجه مأمور کارپردازی است شناخته می شود حامل باشد.

وزیر ریاست - بنده در فرمایش آقای حاج آقا خیلی اسباب تعجب شد چند کلام عرض کنم می فرمایند نماینده دولت نمی تواند حامل حسابات ملت بشود خیلی عجب است بجهت اینکه نماینده دولت نماینده ملت است حالا ممکن است که یک نفر را از مجلس انتخاب کنید و بفرستید ولی گمان نمی کنم یک نفر نماینده دولت که از طرف دولت بقطعه ای مأمور است و در آن نقطه بنایندگی سلطان یک مملکتی شناخته می شود نماینده ملت فرق داشته باشد.

رئیس - حالا اگر نظر آقایان باین باشد که از نمایندگان یک نفر برای تقدیم لویا معین و فرستاده شود البته بهتر است و لکن مأمور دولت البته هم نماینده دولت است و هم نماینده ملت فرقی ندارد.

سلیمان میرزا - اظهارات آقای حاج آقا گویا مال دوره استبداد بوده و هیچ وجه ربطی بدوره

مشروطیت و حکومت ملی نداشت برای اینکه در دوره مشروطیت و امروزه دولت و ملت دو رسم و دو چیز و دو روحند در یک قالب دولتی هستند که یک معنا دارند و این فرمایشانی را که فرمودند گویا یک تاریخی می خواستند از دوره صلاحین جابر برای ما بفرمایند که همیشه می گفتند ظاهر و ملت و دولت را شخصی می دانستند و ملت را یک هیئت علیحده و هم بنظر هم بود که ملی انصاف مردم را صدمه می زدند ولی امروز حکومت ما ملی است و می خواستم با آقای حاج آقا اظهار کنم که همانطوری که در بین نطق خودشان منعقد شدند و گفتند ملاحظه بفرمایند که در این کار خوب است خودشان هم ملتت نظم باشند زیرا کسی که نظم می خواهد افلا خودش باید داخل در نظم بشود - از این جهت عرض می کنم که خوب است عرض بنده را گوش بدهند و تأمل کنند - پس حکومت ما امروز یک حکومت ملی است یعنی عموم نماینده از طرف خودشان انتخاب می کنند و آن نماینده وقتی که جمع شدند تشکیل مجلس شورای ملی می دهند و از اکثریت مجلس شورای ملی از آنجا یک نظر سیاسی مختلف است وزراء انتخاب می شوند و همیشه آن هیئت وزراء نماینده اکثریت مجلس هستند و مجلس نماینده اکثریت ملت است پس بدو واسطه هیئت وزراء نماینده ملت هستند و هر کاری که ملت بخواهد بکنند و احساسات خودش را اظهار بکنند باید توسط آنها بنمایند و این قانون که نوشته می شود نیست مگر اینکه اکثریت مجلس یعنی اکثریت ملت که آرزو و آمال آن را قانون را قانون و مطاع و متبع می کند دولت آن را اجرا می کند یعنی میل نمایندگان را که از طرف عموم ملت بسمت نمایندگی منتخب شده اند و میل آنها میل ملت است مجری می دارند و در واقع آرزو و آمال ملت را اجرا می کنند پس به گمان بنده کاملاً آن فرمایشی را که آقای حاج آقا فرمودند برخلاف منظورشان بود که اگر امروز دیگری از طرف دولت حامل این لویا باشد برای آقایان آنطوریکه باید رعایت احترامات نشده باشد زیرا که دولت باید این احترامات را معمول بدارد یک نفر نماینده ما هیچ کار دیگری ندارد مگر اینکه در مجلس بنشیند و حسابات و نظریات خودش را که حسابات ملت است در موقع وضع قوانین اظهار بدارد نماینده فقط برای این کار منتخب و مأمور شده است و غیر از این بهر کاری که دست بزند و هر عملی که سواي وظیفه اوست مشغول بشود ولو اینکه بعنوان سده زار نومان پول وصول بکند خلاف وظیفه اوست و چون کار خود را نکرده است ملت از او متعجب نخواهد شد و هیچ این عریض مغالطه باموضوع فرمایشات ایشان نخواهد شد محققاً ما باید هر قدر که بتوانیم از آن مقامات عالی خیلی تشکر بکنیم بواسطه اینکه از کمک و همراهی آنها به آزادی خودمان رسیده ایم و هر چه داریم از آنها داریم اول پیش قدمان آزادی این ملت بودند آنها سایر سرداران ملت را امر کرده اند که قدم در راه آزادی خواهی گذاشته و آزادی

را از دست آنها می که غاسب آزادی بودند گرفتند و همیشه تا بحال مساعدت و همراهی خودشان را در این خصوص اظهار داشتند و محققاً هر قدر ما بخواهیم در مقابل زحمات و خدمات ایشان تشکر کنیم و حق شناسی بعمل بیاوریم و او اینکه تمام اعضاء مجلس بر خیزیم هم راه این لویا بر روی گمان می کنیم هنوز آنطوریکه باید و شاید نتوانسته ایم حق خدمات ایشان را ادا کنیم در صورتیکه ما تمام را برای اجرای خیالات مقدس ایشان انتخاب کرده اند و البته راضی هستند که ما مشغول وظایف خودمان باشیم پس بنده هیچ وجه لازم نمی دانم که یک نفر برای این کار از بین نمایندگان انتخاب شود بلکه بهتر می دانم که آن مأمور دولت که از طرف دولت بمأموریت تعیین شده است و شخص محترمی و نماینده ملت و دولت است حامل این لویا باشد و بنده و گمان نمی کنم بشود در حق یک همچو مأموری اینطور توهین آمیز اظهار کرد که یک نفر نوکر وزارت خارجه برای اینکه یک نفر مأمور دولت که از طرف وزارت خارجه بیک نقطه میرود در آن نقطه حکم ملت و دولت را دارد و نماینده سلطان مملکت است و از جانب هیئت ملت و هیئت دولت و سلطان مملکت در آن نقطه نماینده است برای اینکه سفیر یا کارپرداز حکم دولت یک مملکتی را دارد از او محترم تر در خارج شما کسی را پیدا می کنید بلکه می خواهم عرض کنم وقتی که سفیر حامل این لویا باشد خیلی بهتر از آن است که یک نفر از افراد ما باشد که هیچ سمت دولتی نداریم و بالاخره بنده بنامه مخالف هستم با بیانات آقای حاج آقا و تأیید میکنم پیشنهاد آقای حاج میرزا رضا خان را که توسط همان مأموری که بکارپردازی بنده میرود فرستاده شود علاوه بر این یک نکته را می خواهم عرض کنم که ما از برای اینکه عده کافی بشود برای مذاکرات و اخذ رأی همیشه گرفتار هستیم زیرا که آقایان ده تا ده تا یا مرخصند یا امریضند یا تشریف نمی آورند در نظامنامه هم که چیزی در این باب تعیین نشده است که رقم اشکال بشود و در نظامنامه داخلی مجلس سابق یک همچو چیزی داشت که اگر یک نفر در جلسه متوالی بدون عذر حاضر نشد منتهی است ولی در این دوره چون یک همچو مأمور نداریم یک نفر نماینده میتواند نا آخر دوره تعیینه حاضر نشود و بوکالت خودش هم باقی باشد آنوقت اگر یک نفر داد و نذر را برای این کار تعیین کنیم و بفرستیم بعقیده بنده یک کاری را اقدام کرده ایم که هیچ از وظیفه ما نبوده است و اگر بتوسط مأمور دولتی فرستاده میشد خیلی بهتر می بود و آنوقت اگر تا بحال یک ساعت معطل میشدیم برای اینکه عده کافی شود وزنک بزنند بعد از این در ساعات دیگر هم معطل شویم تا اینکه زنک بزنند و عده کافی شود و کار اصلی خودمان بکلی از دست برود و چنانکه عرض کردم گویا آقایان هم راضی و متوجه نباشند که ما آنچه وظایف و تکالیف ما است بکنند و برویم عقب یک کاری که هیچ راجع بوظایف ما نیست.

حاج آقا - بنده در عریض خودم توضیحی دارم اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - بفرمائید.

حاج آقا - شاهزاده سلیمان میرزا بیک شرح مفصلي بیان کردند که هیئت دولت نماینده ملت است از آن نقطه نظری که شاهزاده سلیمان میرزا دارند این یک مطلب خیلی سهل و ساده است و بفرمایش حاج سید ابراهیم اتحاد عقل و معقول نیست که مشکل باشد خیالی مطلب سهل و آسانی است و تمام مردم میدانند که در سلطنت ملی هیئت دولت و ملت یکی است از این نقطه نظر بیانات ایشان صحیح است ولی بنده عرض کردم و باز هم عرض میکنم که همان نقطه نظری که سلیمان میرزا دارند که کلاً و نمایندگان ملت را که آن لویا تشکری که سایر سرداران ملی داده شده از طرف هیئت رئیسه مجلس باشد همان طبیعت و همان نقطه نظر ما را اوتار میکنند که یک نفر از مجلس این لویا را تقدیم نماید برای اینکه این لویا از طرف هیئت دولت که فرستاده میشود این از طرف نمایندگان ملت است و احساسات ملی که بحضرات آیات الله تقدیم میشود و بطور بود که لویا تشکری که برای سرداران ملی فرستاده میشود از طرف مجلس حامل آن یکی از هیئت رئیسه مجلس بود پس همانطور هم باید این لویا تشکر که از طرف مجلس شورای ملی فرستاده میشود از طرف مجلس و حامل آن از هیئت رئیسه مجلس شورای ملی است و هیئتی هم که متخصص باشد در مملکت با بیات و با اظهار احساسات ملی همان مجلس شورای ملی است و از این جهت است که وضع قوانین اختصاص بمجلس شورای ملی دارد پس و کلاً ملت همان کسانی هستند که نماینده ملت هستند حالا هم اگر با کمال تأسف و بانهاش اشکال بفرمایند نمایندگان دولت را بطور مستقیم و غیر مستقیم نمایندگی فرار بفرستند از آن نقطه نظر بنده صحیحی ندارم ولی از طرف دیگر عرض میکنم که در موقعیکه یک قانونی بمجلس می آید و مذاکره میشود که حقوق دیوانی مستخدمین باید از اداری شان کسر شود یا بشود آنوقت همان آقایانی که صدای بلند می کنند و میگویند صحیح است و هیئت دولت هیئت ملی است در آن موقع میگویند دولت و قوه مقننه خیلی از همه دور است و باید نماینده مجلس جزء نمایندگان دولت نیستند و خودشان را نماینده بلا فصل ملت میدانند و آنها را بیک درجه پایین تر از خودشان میدانند بدیهی است که در یک سلطنت ملی آن کسیکه نماینده بلا فصل ملت است همان کس نماینده حقیقی ملت است و در مقام اظهار احساسات ملی هیچکس نباید حامل آن احساسات باشد مگر آن کسی که وکیل ملت است و از طرف ملت انتخاب میشود و باز هم تکرار عرض میکنم که در موقعیکه لویا تشکر بسرداران ملی تقدیم میشد همان طبیعت ساده که از آرایش میرا بود شما را مجبور کرد که از نمایندگان ملت و از هیئت رئیسه حامل آن قرار بدهید همان طبیعت ساده و همان نقطه نظر امروز شما را و امیدارم که این لویا را هم بتوسط یکی از هیئت رئیسه مجلس تقدیم کنید.

سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم اگر اجازه بفرمائید عرض کنم توضیح این است که بنده میخواهم

عرض کنم نه اینکه آقای حاج آقا آن اظهار را کردند که باسم توضیح رفتند بنده را رد کردند.

رئیس - بفرمائید.

سلیمان میرزا - بنده اولاً از آن اشخاصی نیستم که کتابه فرمودند که در موقع کسر حقوق دیوانی و کلاً از حقوقی که در مجلس میگیرند گفته باشم که نمایندگان نباید حقوق دیوانی شان از حقوق اداری کسر شود آنها دیگران بودند که این پیشنهاد را کردند و امضاهاشان هم حاضر است بلکه بنده از آن اشخاصی هستم که میگویم حقوق و کلاً باید از حقوق اداری شان کسر شود آنها هم که خودشان را مجزا میدانند بنده نبودم بنده خودم را جزء افراد ملت میدانم و هیچ فرقی ما بین و کلاً و موکلین در موضوع قانون نیبانم و از آن اشخاص یکی خودشان هستند که فرقی گذاشتند در خصوص کسر حقوق بین و کلاً و غیر و کلاً و بنده باز هم عرض خودم را تکرار میکنم که دولت و ملت دو چیزند که یک حکومتی را تشکیل میدهند دولت عبارت از اکثریت مجلس است و مجلس هم عبارت از اکثریت ملت و نماینده ملت است و باید هر کاری که میشود از اظهار احساسات ملت بگذرد آن بتوسط دولت باشد و الا این عدم مرکزیت است که یک کاری را مجلس بکند و یک کاری را دولت هر کس یک کاری را داشته و دارد مجلس عبارت است از هیئت مقننه کارش در مملکت قانون گذاری است لا غیر و همینطور دولت عبارت است از قوه اجرائیه و کارش اجرائیات و اما در خصوص اینکه فرمودند که چون لویا تشکری که برای سرداران ملی فرستاده شد از هیئت رئیسه حامل آن بودند این را هم از هیئت رئیسه باید حامل آن باشند این را بنده هیچ خبر ندارم که آن لویا را یک نفر از نمایندگان یا از هیئت رئیسه برده باشند شاید در آن موقع که آن لویا را برده اند یک جماعتی رفته باشند برای تبریک یا اینکه شاید این هم مثل همان انگلیسی باشد که در روزنامه (برق) یا سایر جرایدها مینویسند که هیئت رئیسه رفتند بسفارت عثمانی و از این اشتمالات بی اصل باشد و الا ما نه از دویسی و نه از اولی از هیچکدام آنها خبر نداریم معذرت کار هیچ به هیئت ندارد تمام چیزها تابع اکثریت مجلس است هر طور تصویر کرد همان است.

رئیس - چند فقره در این خصوص پیشنهاد شده است هیئت وزراء هم تقاضای جلسه خصوصی کرده اند بعضی سئوالات هم آقایان و کلاً دارند علاوه بر این مسئله را هم مثل قوانینی که پیشنهاد به مجلس میشود که شور در آن بشود بعقیده بنده بهتر است حالا آن پیشنهادها را میخوانیم و ختم مذاکرات را برای جلسه دیگر میگذاریم (در این موقع چند فقره پیشنهاد عبارت ذیل از طرف نمایندگان قرائت شد)

۱ - از آقای حاج سید ابراهیم:

این بنده پیشنهاد میکنم که برای بردن لویا تشکر به قیامت هالیات یک نفر از هیئت رئیسه و یک نفر از مجلس انتخاب شود.

۲ - از طرف حاج محمد صادق علی زاده:

بنده پیشنهاد میکنم که قطعه لوحه تشکر که از طرف مجلس شورای ملی بحضرات آیات الله خراسانی و ملا زنده رای تقدیم میشود بتوسط کارپرداز

جدید بنده که همین روزها مأمور عراق عرب هستند فرستاده شود و اگر بتوسط این شخص که یک مأمور رسمی دولتی است فرستاده نشود و اکثریت مجلس لازم بدانند که بتوسط یکی از نمایندگان ارسال شود بنده با کمال افتخار و ادب طلب هستم که بدون اینکه مصارف مخصوصی برای این مسافرت بمجلس مقدس تحمیل شود بدینجا عرض شخصی خود حامل این لوحه ها را بوده تقدیم پیشگاه مقدس روحانی نمایم.

۳ - از آقای نیرالسلطان:

این بنده پیشنهاد می نمایم لویا تشکر بتوسط جناب مستطاب ملاز الاسلام آقای شیخ محمد تقی آیت الله زاده طهرانی تقدیم حضور حضرات آیات الله شود.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا هم همین طور پیشنهاد کرده اند حالا دیگر در این خصوص مذاکره نکرده رای در این خصوص را از برای جلسه آتی میگذاریم - آقای ادیب التجار سئوالی داشتند از وزیر امور خارجه بفرمائید.

ادیب التجار - اولاً عرض میکنم اگر سئوال بنده از آن قرار عرفی مجلس دو کلمه زیاد تر شد تکوین از حدود سئوال تجاوز شده است از حضور حضرت رئیس اجازه میخواهم در عریض خودم از آن روزیکه و کلاً جمع شدند و از آن مدت که کمیون فوق العاده تشکیل شده بود که بقیه نمایندگان آمدند و مجلس شورای ملی تاسیس شد وزراء معین شدند ما منتظر بودیم وزراء که واسطه اند بین این ملت و سایرین چه اقدامی در خصوص اخراج قشون روس میکنند و از آن ساعت که علاء السلطنه وزیر امور خارجه بود و کلاً همیشه تا کیدات میکردند که وزارت امور خارجه در خصوص اخراج قشون روس اقدامات نماید تا یکروز قشون بود که علاء السلطنه تشریف آوردند در کمیسیون خارجه در حضور بعضی از و کلاً حاضر گفتند که تلگراف از پترزبورغ رسیده است که قشون روس بزودی حرکت میکنند بعد از آن دیگر هر چه منتظر شدیم نتیجه ای ندیدیم تا اینکه تبدیل وزارت امور خارجه شد و بعد از آن هم هر چه آقایان و کلاً سئوالات سخت کردند در خصوص اقدامات وزارت امور خارجه که چه اقدام کرده اند و نتیجه اقداماتشان چه شده و آنچه هم اظهار اتحاد بین دولتین کردیم و اظهار مساعدت هم شنیدیم و اقدامات خودشان فرمودند نتیجه ندیدیم چرا که اینک در روزنامه ها خوانده میشود و از قشون هم نوشته بودند که تازه کمی برعه نشون افزوده اند در صورتیکه امنیت کامل در این مملکت هست و یکشامی از مال تبعه خارجه با جان آنها با ناموس آنها در معرض تلف نیست اقدامات دولت را دیده ایم و می بینیم که تمام هم آنها مصروف استقرار امنیت بوده هست و اقدامات وزیر امور خارجه را هم مکرر در این مجلس شورا می شنیدیم این لکن در بعضی مراکز شنیده میشود که استعدادهای آنها زیاد شده و بنده اصل دارد با خبر شنیده میشود که در کنار دریای بحر خزر از قبیل دره جزو غیره تجدید شده است و زیاد شده است همینطور هم در قزوین نمایندگان اصل دارد با خبر حالا از وزیر امور خارجه بفرمائید که در این سئوال

کاین اقدامات مجدداً شما با آن وعده‌های دولت روس چه نتیجه دارد ما جواب ملت را چه بگوئیم بچه جبهه متوقع باشیم که دولت روس نقوش خودش را زیاد کند در اطراف ایران .

وزیر امور خارجه - بنده این سئوالیکدر حقیقت نیچو استیضاحی بدمهرام حتی اینکه بالاتر از اینهم عرض میکنم که ایشان گفتند با اظهارات دوستانه ایشان چند نتیجه داده بنده میگویم اظهارات ایشان هم دوستانه نبود وعده های صریح و تمهیدات صریحی بود که بمقام دولتمردان کرده اند اینهم که اظهارات شد کبر عدّه نقوش خودشان افزوده اند در ایران بنده گمان میکنم که بنفرزاده باشند آنچه وارد میشود البته راپورتها پیش بر کلای محترم میرسد لکن آنها که خارج میشوند بانمی شنوم یا میشنوم و اظهار نمی کنیم معلوم است عدّه نقوشیکه در یکجائی هست دائمی نمیتوانند بمانند یک عدّه میروند یک عدّه می آیند و مقصود در تغییر و تبدیل هستند و گمان میکنم که عدّه شان در تازا باشد و اگر عدّه ای آمده باشند و افزوده باشند تغییر و تبدیل شده است و یقیناً اگر هم زیاد شده باشد قطعاً خواهند رفت و در خصوص اقدامات وزارت امور خارجه بمنظور که آقا گفتند اقدام خیلی کرده ایم ولی اعتراض میکنم که بدبخشان اقدامات مامور ترموی نبوده است یا اگر مامور ترموی نبوده است آن ترموی که ما میخواستیم که رفتن کابینه نقوش نبوده است حاصل نشده است باز نمیتوانم عرض بکنم که مامور ترموی نبوده است منتهی این است که حالا حاجت نیست ترموی را عرض کنم ولیکن در این موقع برای اینکه مخصوصاً اقدامات جدیدی شود در مجلس اظهار شود یک کمیسیون تشکیل شده است و یکی دو جلسه نشسته اند ولی بدبخشانه نمیدانم که تصور از آن کمیسیون همه روزها نشینند در این خصوص مذاکره شود و نتیجه معلوم آن حاصل شود تا بعد از آنطوریکه لازم بوده است آن نکرده است و تقاضا میکنم که بعد از ختم همین مجلس اعضاء آن کمیسیون جمع شوند در همین خصوص که اظهار فرمودند بعضی مذاکرات است که بنده باید عرض کنم و نتیجه گرفته شود .

رئیس - آقای آقا شایخ محمد سئوالی داشتید از وزیر امور خارجه بفرمائید .
آقا شایخ محمد - ۲۳ روز قبل در بحر خزر (دیوت فونه) میگویند قریب سیصد نفر از اتباع ایران که اجیر کلبانی قفقاز مرکز کوزی بودند و همه ساله در فصل زمستان آنها را میبرند و آنجا مشغول کار میشوند و در (توبایر) روس آنها را مخص میگردند دستنگاه را بر می چیدند اسمال آنها را تا ۱۴ توبایر نگاه داشته اند و تلاطم دریای آنطرف هم خیلی برخطر است این است که شب آن کرجی که منزل آنها بوده شکسته است و آن سیصد نفر مشرف برق شده اند و از سرشب تا صبح فریاد میکردند بطوریکه تفصیلش در روزنامه جات هم هست گویا هفت هشت کشتی از کلبانی در آنجا لنگر انداخته بودند و بدافانها نرسیده اند و نزدیک صبح چهل نفر از آنها را نجات داده اند و دوپست و شصت نفر فرقی شده است حالا حرف در آن نیست که چرا فرقی شده است مقصود این است که علاوه بر اینکه نفویط از طرف کلبانی شده و در اول توبایر باید اینها را برگرداند آنها را در اینجا گذاشته و علاوه روی که آنها را میبرند چون یک

جای برخطری است ضمانت میکند که اگر خطری بجان آنها رسد فلان مبلغ بآنها بدهند و اینها این را داشته اند و کلبانی در واقع این دوپست و شصت نفر را فرقی کرده است بجهت اینکه کلبانی این دوپست و شصت نفر را تا ۱۴ توبایر نگاه داشته است ملاحظه بفرمائید این دوپست و شصت نفر انسانند و اینها از روی فقر و فلاکت رفته اند آنجا و از فراری که شنیده ام از طرف قونسلگری حاجی ترخان که تکلیف او بوده است اقدام کنند اقدامی نشده است یا شده است و بنده نمیدانم مقصود این بود که آباد این خصوص راپورتی از قونسلگری حاجی ترخان رسیده است و در خصوص اینها سؤال و جوابی با کلبانی شده است و میشود یا خیر اگر هم نشده است مقصود بنده این است که در خصوص این دوپست و شصت نفر که کلبانی باعث فرقی اینها شده است یک اقدامی بشود بلکه از باقی ماندگان اینها یک توجیهی بشود .

وزیر امور خارجه - این کشتی که فرقی شده است و تلفاتی که شده است منحصر بشبه ایران نیست یک مقداری هم در آن کشتی کارگرهای روسی بوده است دوپست نفر کارگر ایرانی بوده و متجاوز از صد نفر کارگرهای تبه روس بوده است و از فرار از صندل کارگرهای تبه روس بوده است و از فرار از صندل کارگرهای تبه روس بوده است و بدیهی است که اگر وزارت امور خارجه هم غفلت کند بازماندگان کارگرهای روسها از حقوق خودشان غفلت نخواهند کرد پس بدیهی است که در این خصوص از برای اتباع خارجی در حاجی ترخان مطرح مذاکره خواهد شد و بمنظور از طرف وزارت امور خارجه دستور العمل داده شده است که قنصل حاجی ترخان مراتب باشد که بطوریکه حقوق اتباع روسیه مطالبه شده و دریافت میشود بمنظور هم حقوق تبه ایران مطالبه و دریافت شود .

آقا شایخ محمد خیابانی - هیئت قدر باز خواهش میکنم که در این باب یک ناکبندی شود و چون روسها در آنجا آدم دارند و همه قسم در حق وراث خودشان اقدام میکنند اما این بیچارهها آدم ندارند کسی را ندارند که در حق آنها اقدامی بکنند اقدامی از طرف وزارت امور خارجه بفرمائید که حقوق آنها از بین نرود .

رئیس - آقای معاضد الملک سئوالی داشتید از وزیر جنک بفرمائید .

معاضد الملک - دو جلسه قبل در خصوص انتظامات حوزه ایالتی فارس از وزیر داخله بنده سئوالی کردم و ایشان در خصوص پارهای اقداماتی که در باره نقوش آنجا شده بود اظهاری نشده معلوم است که در باره نقوش آنجا که حضرت والا وزیر جنک در خصوص نقوش فارس فرموده اند بفرمائید چیست دیگر اینکه از قرار مذکور صد نفر را از حکومت کرمانشاهان خواسته است و منتظر آنسوارها است که حرکت نماید آیا از طرف وزارت جنک مساعدتی با حکومت کرمانشاهان در خصوص سواروری که خواسته است شده است یا خیر .
وزیر جنک - در این بنده کشته کمتر مجلس

خواسته بود چون کرمانشاه یکی از نقاط سوارخیز دولت است بنده خودم آنجا سه سال خدمت کرده ام می دانم چقدر استمداد لازم دارد ترتیب آنجا چیست شاهزاده رکن الدوله عقیده اش این بود که باید سواره خارجی همراه داشته باشد قرار دادیم پنجاه نفر سوار از اینجا همراه ببرد سی نفر سوار قزاق هم آنجا است این کافی است رکن الدوله هم متقاعد شده جالتان این هشتاد نفر سوار خارجی در آنجا هست لکن در آنجا سوار بقدر کافی داریم و لوازم اینها را هم همین روزها تعیین میکنیم حرکت کند .

وکیل التجار - بنده اول یک عرض مختصر اساسی دارم عرض میکنم و راجع بقبیده خودم است بنده اساساً تغییر مذهب و وطن فروشی و ناموس فروشی را با تمییز مساری می دانم یعنی عقیده شخصی خودم این است و بین اینها تفاوت نمیدهم به اختصاص بقیه ایران بدهم بلکه از دیگران هم که تغییر تمییز بدهند و قبول تبعیت دیگری را می نمایند به عقیده خودم این را ناموس فروشی می دانم و صحیح نمیدانم و بدبختانه در این اواخر در گیلان این اتفاق افتاده است یعنی کم کم کار گیلان و اهالی گیلان و سالکین گیلان این شده است که خودشان را با یک دست آویزی نسبت بخارجی دهند و اقلب دست آویزم ندارند و فقط خودشان را نسبت می دهند بدیگران در صورتی که اقلب قنصل گری روس هم خبر ندارد و این خیلی اسباب زحمت شده است یعنی در امور وقتی که طرف احتیاج و مذاکرات واقع می شوند و از طرف حکومت یا سایر ادارات یک مأموری می رود که آنها را در حکومت با سایر ادارات حاضر کنند جواب میگویند که مارعیست یا مستاجر فلان آدم هستیم که اوبه روس است و تا امروز باز اینک مکرر اظهار شده است یک اقدام جدیدی در این باب نشده است که جلو گیری بشود و همه آقایان می دانند که ادارات رسمی دولت اقلب بواسطه این مسئله معطل است عدم پیشرفت احکام هدلیه مالبه بلدی و غیره و غیره تمام راجع به همین مسئله است بجهت اینکه محتاج می شوند که فرستند عقب یکی بعضی شکایت دارند عارض میشوند گفتگو دارند آنها حاضر نمیشوند بلدی بعضی عوارض را می خواهد بگیرد و آنها نمی دهند این خیلی اسباب اختلال امور گیلان شده است و خیلی صریح است قوانین بین المللی در خصوص تبعیت گذشته از آن قوانین در ماموریت بین دولت روس و ایران در آنجا هم صریح است که تادولت ایران تصریح نکند و اجازه ندهد تبه ایران نمی تواند قبول تبعیت خارج را بنسباید و برای اطلاع وزیر امور خارجه عرض می کنم از قریب چیزی که بخود بنده نوشته بودند و مستقیماً و صحیحاً رسیده است یکی از اشخاصی که در اداره تذکره بباد کو بوده است و هر چه تذکره نقلی داده شده است در این دو سه ساله که بنده تمام را خوب می دانم میشناسم و خود جناب وزیر و سایرین هم همه میدانند و می شناسند بتوسط این شخص داده شده است از طرف خود دولت روس بجزم اینکه تذکره نقلی داده است گرفتار شده است و این ایام تحت استنطاق بوده و ظاهراً (سیبیر) برای او معین شده است حالا میخواستم بدانم تحال در این خصوص چه اقدامی شده است چون این دیگر یک امر فوق العاده

نیست که محتاج به بعضی اقدامات باشد و منوط بر رفتن نقوش روس باشد و بعضی اسبابها لازم داشته باشد گویا آنقدر زحمت نداشته باشد اگر مأمورین ما کار بکنند و دنبال بکنند نتیجه حاصل میشود بعد از این مطلب می خواستم عرض بکنم در خصوص این عملجات فرقی شده که آقای آقا شیخ محمد فرمودند بنده خوب اطلاع دارم چون اینها از دو هزار الی دوهزار و سیصد منات بیه هستند که اگر ضرر جانی باینها وارد شد باید کلبانی این مبلغ را بپورت آنها بدهد و در این موقع که دوپست نفر اتباع ایران تلف شده اند فقط خاطر وزیر امور خارجه را منمطف می کنم باینکه ملتفت باشند که میباید مامور خودشان در اینجا اسباب تقصیر حقوق آنها بشود و اگر از برای هر یک از آنها اقل پول بیهوشان نفری هزار منات باشد دوپست هزار منات میشود باید از وزارت امور خارجه تا کبندی بامور آنجا بشود که مؤکداً وجداً مطالبه پول آنها را بشاید و استعدا میکنم دهنه دیگر هم فرمائید که در آنجا تبه روس هم بوده اند اگر از طرف ما اقدام نشود از طرف خود روسها در خصوص تبه خودشان اقدام خواهند شد آنها برای خودشان اقدام میکنند دخلی بمانند (در این موقع سایر وزرا وارد شدند) .

وزیر امور خارجه - در یک مسئله ای که کرا را اینجا مذاکره شده است همین مسئله است که اشخاص مثبت شده اند تبعیت خارجی از طرف وزارت امور خارجه این مطلب مطرح شده است و امیدوار هستیم بطوریکه شما اظهار کردید یک شخصی که در خارجه تذکره را می داده و می فروخته است و می ساخته است دستگیر شده است رسیدگی کامل بشود وزارت امور خارجه هم اطلاع داشت حتی اینکه دوسه نفر از اعیان رشت خبر رسیده است که بطور تقلب خود را تابع روس کرده اند و تحصیل تذکره کرده اند که اسامیشان را حالا نمی خواهم ذکر بکنم همین قدر رفع این اختلافاتی که هست بشود و نقوش روس هم از اینجا خارج بشود امیدوار هستیم که همه جور دولت روس هم با ما مساعدت خواهد کرد که خیلی از کارها مانع کدر همسایگی با آنها داریم مساعدت نمایند اصلاح شود یکی هم مسئله همین اشخاص است که پاسیرت های آنها را بدولت داده اند که پاسیرت های جعلی بدست آورده اند و در این خصوص کرا را وزیر مختار روس بنده قول داده است که اقدام رسمی بکنند در اینکه آن اشخاصی که تبه جعلی روس هستند با شرف های خودشان را باطل نمایند اما این مسئله که فرمودند من گفتم اتباع روس در حاجی ترخان اقدامات خواهند کرد بنده هیچ نگفتم بنده گفتم در اینجا این مسئله مطرح خواهد شد و اتباع روس حقوق خودشان را مطالبه خواهند کرد مأمور وزارت خارجه هم اقدام خواهد کرد و حقوق وراث آنها مطالبه خواهند شد و اینکه شما اشاره کردید ممکن است قونصل حاجی ترخان جیب خودش را پر پول کند و حقوق آنها را پامال کند اگر چه اعتماد به مأمورین وزارت خارجه هست ولیکن بقبیده بنده در این امر یک دقتی خاص لازم است بشود باین جهت گمان میکنم شاید بهتر این باشد که دو نفر از اینجا مأمور مخصوص بفرستیم که به همراهی قونسل

حفظ حقوق اتباع ما کاملاً بعمل آمده حقوق وراث آنها را مطالبه نمایند .

رئیس - دستور جلسه آینه شور تانی در قانون دیوان محاسبات و بقیه دستور امروز حالا جلسه خصوصی است .

(مجلس مقارن مغرب خصوصی شد)
جلسه ۱۹۵

صورت مذاکرات روز سه شنبه ۱۷ ذی حجه الحرام ۱۳۲۸
مجلس دو ساعت و ربع قبل از غروب برپاست آقای ذکاء الملک منمقد کردید .
صورت جلسه قبل را آقای معاضد الملک قرائت کردند .

اسامی غائبین جلسه قبل : آقایان اسدالله خان کردستانی - سردار احمد ده خدا (بدون اجازه غائب بودند) آقایان آقا سید محمد رضا - مستشار الدوله - ممتاز الدوله - بهجت - حاج شیخ اسدالله یوسف خان میرزا یانس (بموقع حاضر نشده اند) آقایان حاج میرزا زین العابدین قمی - حاج محمد کریم خان نقشائی مریض بودند .

رئیس - در باب صورت مجلس اگر ملاحظاتی هست بفرمائید .

ارباب کبخسرو - بنده اولاً چنانچه سابق هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم که این صورت خیلی مشروح است و این وقت مجلس را خیلی ضایع می کند و اگر چنین باشد گمان میکنم تند نویسی لازم نداریم و آنچه در نطق وزیر جنک نوشته شده است تقریباً همین کلمات اوست که نوشته اند و این لازم نیست مباحثت خلاصه او نوشته شود تا باینکه در مسئله تغییر تبعیت راجع ببعضی گیلانیها در صورت مجلس لفظ اقلب نوشته شده است و حال اینکه چنین چیزی گفته نشد این بود که یک عدّه معنی بوده است مطلب دیگر که میخواستم عرض بکنم که غالب از اوقات هنگام تعیین دستور رئیس می فرمایند دستور جلسه آینه بقیه دستور سابق و حال آنکه ما می بینیم خیلی چیزها در دستور آمده است و یکی مسکوت عنه مانده است که بنده بعضی از آنها را یاد داشت کرده ام و استعدا می کنم ببنده در خصوص اینها جواب مرحمت فرمائید که آیا یک عیبی در آنها بوده است که نباید جزء دستور شود یا قابل این نبوده که در مجلس مذاکره شود این را بفرمائید تا بعضی اشخاص کدر روزنامه جات مطالبه می کنند بدانند که چه عیب در آنها بوده که جزء دستور نیامده است و الا نمی شود یک وقتی را مجلس صرف کند و هیچ معلوم نشود که چه شد مثلا مسئله طلاشویی معین شد و معلوم نشد چه شد و در باب مهاجرین بلوچ و در باب تجزیه بلوچ و راپورت کمیسیون بودجه در باب ورته حامد الملک و هم چنین در باب ورته مرحوم حسام - الاسلام و راپورت امرنان اینها چیزهایی است که جزء دستور آمده است و معلوم نیست چه شده است و نمی دانیم چه فلت پیدا کرده که در آن ها مذاکره نشده است یا اینها را نباید عنوان کرد و

جزه دستور کرد یا اگر عنوان شد و دوج در روزنامهجات شد باید علت آنرا بیان کرد که بجهت مطرح مذاکره نشده است تا هر کس که می خواند روزنامه را بداند که علت موقوف ماندن آنهاچه بوده است.

رئیس - درخصوص مطالبی که در دستوربانی مانده است می دانید غالباً آن چیزهایی را که جزء دستور قرار می دهیم مجال نمی شود که در آنها اهمیت نداشت تا اینکه مطالب وارده را بگذاریم و آنها تعقیب شوند و صبر کنیم آنها که از مجلس گذشت آنوقت بمطالب وارده شروع کنیم بعضی از آنها هم بود که در بین اینکه می خواستیم آنها را جزء دستور بگذاریم بعضی از موانع پیش آمد که لایذ شدیم که آنها را مسکوت عنه بگذاریم تا آن موانع برطرف شوند مثل همان مسئله ایران که فرمودند بعد معلوم شد کمیسیون تفتیش امرکنند و وزارت داخله مشغول اندامانی هستند که بعد از آن که اقدامات بعمل آمد آنوقت آنرا در دستور بگذاریم.

حاج شیخعلی خراسانی - در نظامنامه داخلی ما یک ماده هست که میگوید که کمیسیونها باید در هر دوماه راپورتی از ملاحظه اعمال خودشان بمجلس تقدیم نمایند و بنده این ماده را تا بحال ندیده ام که مجری شود اگر مقصود از این راپورتهاست که در این ماده نوشته شده است همین راپورتهای فردردی ها که کمیسیونها بمجلس می فرستند که بفرمایند تا کمیسیون داخله این را بداند و بوظیفه خودش عمل نماید اگر هم مقصود این نیست که آنوقت باید سایر کمیسیونها راپورت دوماه خودشان بمجلس بدهند و یک مسئله دیگر هم در خصوص اقتصاد دولت مجلس می خواستم عرض کنم در جلسه سابق این قانون منع احتکار غله را مجلس مراجعت داد بکمیسیون داخله چون بعضی از آقایان بآن قانون اعتراض داشتند و آنرا کافی نپنداشتند هیچیک از آقایان نه پیشنهادی کردند و نه خودشان تشریف آوردند که توضیحاتی بدهند وزیر داخله اصراری داشتند که اگر همین چهارده ماده از مجلس بگذرد جلوگیری قاطبی خواهد کرد و همچنین عقیده داشتند که موضوع احتکار را از میان بر خواهد داشت لذا کمیسیون داخله در جلسه فردا حاضرند که اگر آقایان نواقصی در آن می بینند بیایند نواقص را اظهار کنند.

رئیس - فقط این کمیسیونهایی که ایندفعه آخر انتخاب شده اند تا کنون راپورت دوماه خودشان را نداده اند این هم خیلی تأخیر نشده است بجهت اینکه خیلی از دو ماه نگذشته است آنرا هم یاد آوری میکنم که راپورت دوماه خودشان را بدهند حالاً بموجب دستور داخل میشود در انتخاب سه نفر نماینده عوض سه نفر نماینده مستوفی بعضی اظهار کردند که این سه نفر بجای کیه انتخاب خواهد شد.

رئیس - این سه نفر بجای آقای صنیع الدوله و آقای صدیق حضرت وحاج قانع الملک که استمفاداده اند انتخاب میشوند.

سلیمان مهرزا - ما میخواهیم کسر و کلابی را که استمفاداده اند انتخاب نمائیم و بنده هم مطابق نظامنامه داخلی در خارج این اجازه را گرفته بودم که چند کلمه عرض کنم اول استدعا می کنم که آقایان عریض بنده را درست توجه بفرمایند که سه نفر تمامی نشود و اگر اتفاقاً سه نفر تمامی شد از خود بنده توضیح بخواهند ما امروز میخواهیم که سه نفر نماینده کانرا انتخاب کنیم بنده پاره ای عریض در اینخصوص دارم و مقصود از این عریضی که عرض خواهم کرد نه من باب این است که در مقام آن نماینده گانی که انتخاب خواهند شد خللی وارد نیاید و نه من باب اشکالات دیگری است فقط بعضی نظریات است که خودم دارم و می خواهم خودم بفهمم و الا غرضی با کسی ندارم می خواهم عرض بکنم بنده خودم از اشخاصی هستم که از همین قبیل و بموجب همین فصل انتخاب شده ام یعنی از آن نمایندگان هستم که بنده را از مجلس انتخاب کرده اند لکن در متمم قانون اساسی اصل ۳۲ بمقدمه بنده طوری نوشته شده است که اجازه نمیدهد که مجلس عوض نماینده مستوفی را انتخاب نماید بطوریکه بنده میخوانم:

اصل ۳۲ - چنانچه یکی از کلا در ادارات دولتی موظفانستخدام بشود از عضویت مجلس منفصل میشود و بعداً از عضویت او در مجلس مسروقف به استغای از شغل دولت و انتخاب از طرف ملت خواهد بود.

مطابق این قانون دویا صریح است که نماینده را نباید از مجلس انتخاب کرد و باید عوض عضو مستوفی از طرف ملت انتخاب شود مطابق این اصل ۳۲ قانون اساسی گویا یک ماده هم در قانون انتخابات داریم ماده ۶۲ است بمبنی هر گاه یکی از اعضای مجلس شورای ملی استعفا یا فوت نماید و بیش از سه ماه باقضاء دوره باقی باشد مجلس شورای ملی یک نفر بجای او با اکثریت تام انتخاب خواهد کرد حالاً باید دانست که این ماده را که در نظامنامه انتخابات نوشته اند بقیه ۳۲ قانون اساسی است یا تفسیر آن نیست و اگر تفسیر آن نیست آیا اگر قانونی بنویسیم که مخالفت داشته باشد با قانون اساسی ولو اینکه تا بحال بآن عمل شده و بنده هم از آن منتعین هستم و ده نفر دیگر هم بموجب آن فصل انتخاب شده اند و سه نفر دیگر هم میخواهیم انتخاب بکنیم که ۱۴ نفر باشد آیا این قانونیت دارد یا خیر این یکی از اشکالات بنده است و علاوه فلسفه مشروطیت هم بر این است که نماینده را موکلین انتخاب کنند و ما باین وضعی که برای خودمان قرار داده ایم با اینکه نماینده ها باید از جانب ملت انتخاب شوند مناقات دارد و این بکنندری اشکال پیدا میکند بجهت اینکه انتخاب از طرف ملت نخواهد بود و بنده هم عقیده ام این است که انتخاب باید مستقیم و مساوی و مضمی باشد اهم از اینکه این ملاحظه شده شده است یا نشده است بنده عقیده ام این است که اگر

هم نشده است بعد از این باید بشود و نماینده باید مستقیماً از طرف ملت انتخاب شود و حالا بخلاف این عمل کرده اند و بنده را هم از مجلس انتخاب کرده اند خوب است بفرمائید که این ماده را تفسیر اصل ۳۲ قانون اساسی دانسته اند اگر ندانسته اند بنده اول زمه و قبل از همه خودم را نماینده ندانم و حاضر نشوم و میخواهم عرض کنم چون بنده در تردید هستم و رفته سفید نخواهم داد و اشخاصی هم که مثل بنده در تردید هستند و گویا چند نفری با بنده هم عقیده هستند در اینکه این در فصل بکنندری با هم دیگر متباین بنمایند با اینکه ۱۵ نفر هم بموجب همین فصل انتخاب شده اند و هنوز معلوم نشده است که ماده ۶۲ نظامنامه انتخابات تفسیر اصل ۳۲ قانون اساسی است یا اینکه با از قبض است پس عرض میکنم علت رفته سفید انداختن بنده این است که اگر چه بنده خودم هم بموجب این ماده انتخاب شده ام و این را بنده اول در حق خودم عرض میکنم که مطابق این قانون انتخاب شده ام تا سه تفسیر نشود نسبت باشخاصی که هنوز معلوم نیستند چه اشخاصی انتخاب خواهند شد و عرض بنده این نیست که نسبت بآن اشخاصی که معلوم نیستند چه اشخاصی خواهند بود توهین کرده باشم عرض این است که بدانم که این هم تفسیر قانون اساسی یا تفسیر اوست و عرض این است که آقایان بدانند که اگر بنده رفته سفید انداختم بجهت این است که نماینده هنوز این دو فصل با هم دیگر حضور جمع میشوند.

رئیس - امروز در مذاکرات این مطالب گمان نمیکنم بتوانیم داخل بشویم باین جهت اگر درخصوص خود انتخاب اظهاراتی داشته باشید می توانید بفرمائید.

کاشف - بنده می خواستم عرض بکنم که ایرادات حضرت والا صیحیح است ولی اگر بنا بشود اشکال کنیم در این موضوع اول ایراد بخود حضرت والا وارد است و لازم است هر کس که بنظرش ایرادی نسبت بنظامنامه داخلی یا قانون انتخابات یا هر قانون دیگری که میرسد پیشنهاد بکند و در موقع خودش بمجلس بیاید و از مجلس بگذرد و در موقع انتخاب این اظهارات را نباید کرد.

سلیمان مهرزا - بنده عرض می کنم که این مذاکرات خودم را ابتدا مانع از اینکه حالا انتخاب کنند نمی دانم و اگر کسی اینقدر آزادی نداشته باشد گمان نمیکنم بتواند آراء خودش را اظهار کند علاوه بنده چندین مرتبه درخصوص یک مطلبی که اظهار کردم مدترش را خواستم و مکرر هم عرض کردم که بنده خودم هم همین ترتیب انتخاب شده ام و نظر هم ندارم بآن اشخاصی که بعد از این که انتخاب می شوند و اکثریت دارند با ندارند که توهین کرده باشم فقط خواستم یک مطلبی را بعرض مجلس برسانم.

رئیس - در این باب مذاکره نخواهیم کرد و قرار شده است در کمیسیون قانون انتخابات ملاحظه بشود در آنجا این ملاحظات بعمل خواهد آمد حالاً کسر نمایندگان را که ۳ نفر است و باید عوض سه نفر نماینده مشغول انتخاب شوند انتخاب می کنیم که آن

سه نفر مستوفی آقای صنیع الدوله و آقای صدیق حضرت وحاج قانع الملک می باشند. و رفته توزیع شد و فاخذ آراء بعمل آمد آقایان آقا شیخ رضا و معاضد الملک وحاج شیخعلی بهر امی حاج میرزا رضاخان استخراج آراء نمودند و معاضد الملک نتیجه استخراج آراء را بقرار ذیل اعلام نمود: عده آراء ۷۴ آقای میرزا رضای مستوفی [۳۸] رأی انتظام الحکماء (۳۱) رأی مشیر حضور [۳۰] رأی امتناع [۱] و توف الدوله ۴ رأی - آقایان منتظم الملک - آقا میرزا احمد مشیر السلطنه - دکتر ولی الله خان دبیر الملک - میرزا عبدالله خان مستوفی مشیر دربار انتظام الاطباء - مصطفی قلی خان هر یک باینک رأی

منتصر السلطان - و رفته سفید چندان بود.

معاضد الملک - و رفته سفید ۳۰ تا است

رئیس - از این سه نفر یک نفر با اکثریت تام منتخب شد که آقا میرزا رضای مستوفی باشد از برای آن دو نفر دیگر رأی گرفته خواهد شد.

ورفته توزیع و فاخذ رأی گردید آقایان سابق الذکر برای استخراج آراء حاضر شده استخراج نمودند و معاضد الملک نتیجه استخراج آراء را بقرار ذیل اعلام نمود:

عده آراء (۷۳) امتناع (۲) و رفته سفید (۳۳) مشیر حضور (۳۳) انتظام الحکماء (۳۲) و توف الدوله (۲)

دبیر الملک (۲) دکتر ولی الله خان باینک رأی نشده مرتباً هم برای میگیریم اگر اکثریت تام حاصل نشد اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

منتصر السلطان - چون مشیر حضور و انتظام الحکماء در این شهر متعدد است مثلا مشیر حضور نام سه نفر را بنده می شناسم و ممکن است باز هم باشد خوب است معرفی بفرمایند که اسباب اشکال و زحمت بعد از تعیین و انتخاب نشود ماکه و رفته سفید می دهیم و نمی شناسیم آنها که انتخاب می کنند و میشناسند تعیین بکنند اسباب زحمت نشود

حاج میرزا رضاخان - انتظام الحکماء میرزا علی نوری است که خانه اش در سر چشمه است مشیر حضور میرزا فتح اله طباطبائی است.

ورفته توزیع و فاخذ رأی گردید آقایان سابق الذکر برای استخراج آراء حاضر شده استخراج آراء را بقرار ذیل اعلام نمود:

عده اوراق ۷۴ و رفته سفید ۲ امتناع ۲ انتظام الحکماء ۳۱ دکتر ولی الله خان ۳ دبیر الملک ۲ و توف الدوله و میرزا فضل الله یک.

رئیس - انتظام الحکماء مشیر حضور با اکثریت نسبی انتخاب شدند.

محمد شاه ششم میرزا - مدتی است در مسئله آقای سیدعلی آقا تکلیف معلوم نیست بنده میخواستم بدانم جوابی داده اند چیست دیگر آنکه در باره آنها که مدتی است رفته اند از قبیل قوام الاسلام و آقای نوبری و حاج میرزا آقا و اجازه شان هم آن قدرها نبوده است آنان هر کدام پنج شش ماه است که

غیبت دارند عقیده بنده این است که تلگرافی از طرف مجلس بآنها بشود که اگر آمدنی هستند معلوم شود اگر آمدنی هم نیستند آنها هم معلوم شود بجهت اینکه همه روزه مادر زحمت هستیم بواسطه این که عده کافی نیست و اگر آنها میخواستند و کیل باشند حاضر نمیشوند آنوقت باید يك ماده پیشنهاد کنیم در این خصوص که آنقدر دچار اشکال کافی نبودن عده نشویم.

رئیس - حل این مسئله میباید بعد حالا همبفکر خواهش میکنم از اعضاء کمیسیون تفتیش که حل آن مسئله را زودتر بفرمایند در خصوص غائبین تا رفع این اشکال بشود و هر چه زودتر راپورت بمجلس بدهند.

راپورت کمیسیون بست و تلگراف راجع به تجدید کتترات مسیو مولیتر بعبارت ذیل قرائت شد: تاریخ ۶ ذیحجه راپورت کمیسیون بست و تلگراف بمجلس مقدس بر حسب تقاضای وزارت بست و تلگراف تجدید کتترات مسیو مولیتر را مجلس شورای ملی بکمیسیون بست و تلگراف رجوع شده و در کمیسیون چندین جلسه در این موضوع بحث و مذاکرات شد وزارت بست و تلگراف تقاضا نمود که کتترات مسیو مولیتر تجدید شود با ملاحظاتی فقرات ذیل:

- (۱) - مدت کتترات برای چهار سال.
- (۲) - اضافه مواج ۴۰۰۰ فرانک به این قسم که دوماه از فرانک دولت از بودجه مملکت مرحمت فرمایند و یک هزار و پانصد فرانک از فوق العاده ای که همه ساله بمسیو مولیتر مرحمت می فرمودند کسر گذارند اضافه بر مواج او شود که با همبچه هزار فرانک مواج سابق او بیست و یک هزار و پانصد فرانک شود.
- (۳) - یک هزار و پانصد تومان فوق العاده مسیو مولیتر تبدیل بفرانک شود از قرار صدی ۲۰۷ فران که تقریباً میشود ۷۲۰۰ فرانک که پس از کسر ۱۵۰۰ فرانک که بر مواج او افزوده میشود بقیه ۵۷۰۰ فرانک به اسم فوق العاده در کتترات مسیو مولیتر ذکر شود.
- (۴) - ۴۰۰ فرانک اضافه بر فوق العاده مسیو مولیتر دولت مرحمت نمایند که رو به هم فوق العاده او بشود ۶۰۰۰ فرانک.
- (۵) - در کتترات ذکر شود که وزیر بست و تلگراف هر خدمتی راجع به اداره تلگراف به مسیو مولیتر رجوع نمایند از قبیل آن مکلف است ولی اگر آن خدمت مستلزم مسئول و کاری باشد که مدیر کل را از خدمت اداره بست منصرف نماید دولت يك نفر معاون کافی به او خواهد داد.

هیئت کمیسیون پس از مذاکرات زیاد با وزیر بست و تلگراف از قرار ذیل به اکثریت رأی داد که کتترات مسیو مولیتر تجدید شود از برای مدت سه سال در بابت مواج هم نظر بخدمت مسیو مولیتر کمیسیون به اکثریت آراء رای داد که ۳۳۰۰ فرانک از فوق العاده او کسر و محسوب شود که همبچه هزار فرانک مواج سابق او ۲۱۵۰۰ فرانک می شود. در خصوص تبدیل بقیه فوق العاده مسیو مولیتر از تومان بفرانک کمیسیون به اکثریت رأی داد که تبدیل شده و در کتترات مسیو مولیتر ذکر شود.

فقره چهارم را کمیسیون منوط بر رأی مجلس شورای ملی نمود فقره پنجم را هیئت کمیسیون تصویب نمود و نیز

کمیسیون بقیه شروط کتترات مسیو مولیتر را از قرار کتترات سایر مستخدمین اروپائی تصویب بنمایند.
هر ترضی قلبیخان - بنده این راپورت را اصلاً غلط میدانم و مذاکره در آن را هیچ وجه صحیح نمیدانم بجهت اینکه بکلی وظایف خاصه کمیسیون بوده از دست او گرفته شده است و داده شده بدست کمیسیونهای دیگر پس باید يك تکلیف دیگری برای کمیسیون بودجه معین کرد اگر در کمیسیون بودجه آنچه راجع بجمع و خرج مملکت است باید رسیدگی کند و رأی خودش را پیشنهاد مجلس کند این راپورت بکلی باید برگردد و مذاکره نشود و بر روی کمیسیون بودجه هر چه در آنجا مذاکره و تصویب شود بمجلس آمد تصویب میشود و اگر این قسم است که وظایف خاصه کمیسیون بودجه با رجوع نخواهد شد بنده عرض میکنم کمیسیون بودجه از فردا نامتعدد نخواهد شد بجهت اینکه ماهفت کمیسیون در مقابل این هفت وزارتخانه داریم اگر بنا شود مسائل راجع بهر وزارت خانه از هر حیث و بطور کلی بکمیسیون که راجع بآن وزارتخانه است رجوع شود باید بودجه وزارت داخله هم برود بکمیسیون داخله بودجه وزارت خارجه هم برود بکمیسیون خارجه و به همین طریق سایرین دیگر هیچ وجود کمیسیون بودجه لازم نیست و در این صورت دیگر من بعه کمیسیون بودجه متعقد نخواهد شد.
منتصر السلطان - در این فقره که فرمودند در واقع در یکجا در این بنده دو هزار فرانک از بودجه مملکت در حق او بعنوان اضافه مواج برقرار شود در این خصوص حق میدهم بجناب آقا میرزا هر ترضی قلبیخان که حق کمیسیون بودجه بوده است چون اضافه مواج است و باید کمیسیون بودجه نظریات خودش را در این باب بنمایند و رأی خودش را بمجلس راپورت بدهد ولی دو سایر مواد هیچ وجه راجع بکمیسیون بودجه نیست ولی تاکنون هر چه ملاحظه کردیم نظائر این از سایر کمیسیونها شده است و کمیسیون بودجه هیچ پروتست نکرده است مخصوصاً هر چه مستخدمینی که کتتراتشان در مجلس گذشته است بکمیسیون بودجه نرفته است مگر يك فقره یا دو فقره بود که در خصوص بودجه آن بکمیسیون بودجه رجوع شد و کمیسیون فوائد عامه هم چون این سابقه را میبایدست باین جهت این را بکمیسیون بودجه رجوع نکردند و در تحت مذاکرات گذشت و راپورت از عقاید خودش بمجلس تقدیم کرد و حالا اگر بخواهند از این جهت این راپورت را رد بکنند ممکن است همان يك فقره راجع بکمیسیون بودجه را بگذارند که کمیسیون بودجه هم نظریات خودش را در آن اظهار نماید و در سایر مواد این راپورت که راجع به کمیسیون بودجه نیست رأی بدهند.
حاج سیدابراهیم مدرس - اولاً در این کتترات که وزیر تقاضا کرده اند بنده از خارج شنیده ام که موافقت کنانش تمام شده و بعد از این که مدت او متقضی شده تازه کتترات او را آورده اند اینجا و این را بنده خوب نمیدانم بجهت اینکه مکرر گفته شد مستخدمینی که ما داریم در اینجا هر کدام که مدت کتتراتشان سر رفت و خواستند تجدید نمایند افسوسه ما بآخر مدت مانده شرایط تجدید کتترات او را تقدیم مجلس نمایند که تا وقت داشته باشیم که درست نظریات خودمان را بنمائیم و به بینیم که این تجدید کتترات صلاح است یا صلاح نیست و ما را اینطور در تنگنا نگذارند و ثانیاً اینکه آقای مغیر فرمودند که نسبت

بآن اضافه و اجابت باید به کمیسیون بودجه برود بنده این را صحیح میدانم بجهت اینکه کتکرات کمیسیون تمام شوم بعداً تجدید شد هر چه بوداده میشود این در واقع يك تعمیلی است بیودجه دولت پس در موقع تجدید کتب باید بکمیسیون بودجه رجوع شود و کمیسیون بودجه نظریات خودش را در این خصوص بنمایش بیاورد که این کتکرات صلاح است یا خیر شاید کمیسیون یا مجلس این تجدید را صلاح ندانست يك اشکال دیگر بنده این است که با تجاوز وزیر تقاضا کرده است که بکمیسیون و یا نهاد تومان آنرا تبدیل بفرانک نمایند و بنده آنرا صحیح میدانم بجهت اینکه مادر این مجلس باید نمایش ملی بدهیم یعنی آثار ملی را ظاهر کنیم یعنی بیاییم که تغییر میدهم فرانک را تبدیل بفران کنیم نه اینکه بکس فرانک را تبدیل بفرانک کنیم و حال اینکه در معاملات سابق دیده شده است که هر چه معامله کرده ایم همان تومان معامله کرده ایم حالاً بیاییم در اینجا کتکرات را بفرانک بستاند علاوه بر فرانک بستاند آنهم که بنده همان است تبدیل اورا خواسته اند که بفرانک نمایند و این را بنده هیچ رضای نبودم که وزیر پست و تلگراف تصویب کند و گمان میکنم کمیسیون هم رد کند دیگر اینکه نوشته است نظر بخدمات مسیوم و این بنده بطوریکه از خارج بدست آورده ام شاید بتوان يك اندازه خدماتش را تصدیق کرد ولی بارها گفته شده که اول خدمتی که از آنها میخواهیم این است که با بنمایند که در مدت خدمت چند نفر را برای ما تربیت کرده اند بطوریکه خودشان تصدیق کنند که اداره کردن را آنها خوب از عهده بر میآیند و زحمات استخدام آنها خصوصاً این شخص همچو خدمتی را بنده ندیده ام که کرده باشند اگر کرده باشند بنده ندیده ام و اینکه این خدمت را نکرده اند برای این تصدیق ندارم پس بنده حقیقتاً نمیتوانم تصدیق کنم که او در ایران خدمت کرده است و در باب اضافه و فوق العاده بلکه کتب تجدید کتکرات عرض میکنم هر چه زودتر باید برود بکمیسیون بودجه که آنها هم نظریات خودشان را بنمایند و این يك کلامه را هم برای اینکه اعضای کمیسیون بودجه مسیوم باشند عرض میکنم که باید در راپورت خودشان قید کنند که این چند مدت است در سر خدمت هست و کتکرات این از کمی بوده است و بجهت جهت باید تجدید کرد کتکرات اورا و این فوق العاده ای که بنا داده میشود بجهت میزان است این بجهت رتبه است که در است باین جهت خرج فوق العاده ای که بپدا شده آخر خود بخود تصویب کردن يك خرجی و دادن اضافه فوق العاده که بی جهت نمیشود باید جهت معلوم شود بنده علتش را نمی دانم برای چیست و این تعمیل را بنده بر بودجه صحیح میدانم و باید در کمیسیون بودجه در این خصوص مذاکره شود که میزان اضافه مواجب اینها باید بجهت ترتیب باشد باید هر چه تقاضا کرده اند تصویب کنیم منتهی خیلی زحمت بکشیم اگر ده هزار فرانک اضافه تقاضا کنند هزار فرانک کسر کنیم با اینکه هر چه که تقاضا نمایند همین آنرا تصویب کنیم یا واقفاً میزان آن دارد که آنها هم بیش از آن اندازه نمی توانند تقاضا کنند اینها باید معلوم شود و فقط میخواستم در مقابل

آقای مخبر عرض کنم که این تجدید کتکرات يك مسئله تازه است و يك تعمیل فوق العاده است و محتمل است بنده بگویم تجدید کتکرات مستخدمی برای اداره پست و تلگراف لازم نیست بجهت اینکه شاید اینها اشخاصی را تربیت کرده باشند که محتاج بوجود اینها نباشیم و از وجود اینها منتفی باشیم این جهاتی که عرض کردم اینها باید رد کرد بکمیسیون بودجه و بنده دیگر مذاکره ای ندارم.

وزیر پست و تلگراف - اگر چه از طرف

بنده بنمایند گان اعتراضی شود البته خودشان بهتر میدانند ترتیب مذاکره را ولی حالا عرض میکنم که ترتیب مذاکره شان قدری مخلوط است يك مرتبه در این راپورت اساساً مذاکره میکنند که این راپورت قبل از اینکه بیاید بمجلس باید برود به کمیسیون بودجه يك مرتبه در کتکرات و حرفی نیست و داخل جزئیات و مواد او میشود آقای حاج سید ابراهیم از يك طرف می فرماید که باید برود به کمیسیون بودجه از يك طرف داخل در مذاکره مواد این می شوند اول خوب است نمایندگان اینها معین نمایند که این باید بکمیسیون بودجه برود و نظریات آنها هم منتهاً بمجلس بیاید باخیر حالا باید در آن مذاکره کرد این قسمت عرض بنده راجع به ترتیب مذاکره در مجلس است اصلاً در خصوص مطالب دیگر هم گفته مختصراً جواب عرض میکنم این است که گویا نظر آقایان باشد که این پیشنهاد قبل از آنکه بنده باین مقام منتظر شوم به مجلس تقدیم شده بود و بنده هم بعضی تغییرات در آن داده ام بلکه اضافه ای که تقاضا شده بود قدری تخفیف داده شد منتهی قدری طول کشید و میخائانی که لازم بود در کمیسیون پست و تلگراف کرده شد و بعضی تبدیلات و تغییراتی که لازم بود در کمیسیون پست و تلگراف داده شد بنده شخصاً اگر اکثریت مجلس تصویب کرد که برگردد بکمیسیون بودجه البته اصراری ندارم و البته نمی توانم در این مورد عرض بکنم ولیکن چون این عمل سابقه دارد که اغلب کتکرات های مستخدمین خارج را بدون اینکه بکمیسیون بودجه برود بمجلس آورده اند و از مجلس گذشته است علاوه بر این شخص هم مدتی است که کتکراتش سر آمده و اینها در هر سال چهل روز حق تعطیل دارند و این چند سال تعطیل نرفته است و چهار ماه روزه رفته حق تعطیل داشته و این چهار ماه گذشته که حق تعطیل بوده است بر حسب تقاضای وزارت پست و تلگراف مشغول کار بوده است و آن مدت تعطیل هم سر آمده این است که اگر مجلس در این باب مخالفتی ندارند بنظر بنده خوب است امروز اساساً این مطلب معلوم شود که لازم است به کمیسیون بودجه برود باخیر بعد از آنکه اول در این مسئله اساسی رای گرفته شد و معلوم شد تکلیف او چیست آنوقت بنده جوابهای آقای حاج سید ابراهیم را در جزئیات این راپورت خواهم داد حالا باید بمجلس معین کند که قبل از اینکه این راپورت بکمیسیون بودجه برود داخل آن مذاکره خواهد شد یا خیر.

رئیس - پس اول این مسئله را معین کنند

که امروزه در این باب مذاکره می شود یا باید به

کمیسیون بودجه رجوع شود.

میرزا ابراهیم خان - عرض بنده این است که بودجه وزارتخانهها بطور کلی باید وزارت مالیه برود و از وزارت مالیه بکمیسیون بودجه بفرستند یا اینکه هر جزئی که راجع به مالیه است باید بکمیسیون بودجه برود بنده در این شمه هستم خوب است رفع شبهه بنده را بفرمایند تا تکلیف این راپورت هم ضمناً معلوم شود.

میرزا مرتضی قلیخان - این مطلبی

را که آقای میرزا ابراهیم خان اظهار کردند خیلی واضح است بجهت این که مجلس چند کمیسیون معین کرده است بجهت قوانین وزارتخانهها و از آن جمله یکی کمیسیون قوانین مالیه است که معین شده است بجهت اینکه هر قوانینی که راجع است به مالیه برود با آنها و در مقابل وزارت مالیه است امور راجع به بودجه هم باید برود با آنها این هیچ مربوط به کمیسیون بودجه نیست و هم چنین آنچه راجع است بقوانین داخله باید برود بکمیسیون بودجه داخله هم چنین سایر وزارتخانهها هم بطور آنچه راجع است بخرج و دخل مملکت رتقی باید در آنجا و در آنجا باید برود به کمیسیون بودجه و در این هیچ شک و شبهه نیست و در نظامنامه داخلی هم نوشته شده است که بودجه ای که برای هدفالسه وزارت خارجه می نویسند باید رجوع شود بکمیسیون خارجه باید برود بکمیسیون بودجه و در آنجا تصویب شود حالا در این کتکرات معلوم است اصل تجدید کتکرات راجع به کمیسیون بودجه نیست لیکن بعد از آنکه اصل تجدید کتکرات در کمیسویی که راجع باوست تصویب شد آن وقت رجوع میشود به کمیسیون بودجه که از نظر بودجه مخصصاً برای آن دو هزار فرانک اضافه باو نظر شود و این عمل کمیسیون بودجه است مثلاً بودجه وزارت پست و تلگراف را که نوشته و دادید بوزارت مالیه وزارت مالیه می فرستد از برای کمیسیون پست و تلگراف بامی فرستند بکمیسیون بودجه اگر بکمیسیون پست و تلگراف می دهد بنده هیچ عرضی ندارم و اگر بکمیسیون بودجه میرود پس بطور شد که اینكه يك جزء از بودجه همان وزارت پست و تلگراف است بعضی شده اند که فرمودند که این سابقه دارد و فرضاً اگر چیزی اتفاقاً از مجری صحیح خودش سیر نکرده باشد نباید آنرا در کتب سابقه قرار داد بطور قطع عرض می کنم یا باید امروز بمجلس رای بدیم در انفصال بکمیسیون بودجه یا اینکه این باید برود بکمیسیون بودجه و از آنجا راپورت داده شود.

منتصر السلطان - می خواهم عرض کنم

که این قدری آقای میرزا مرتضی قلیخان اشتباه شده است بجهت اینکه در هر روز ما برای هشت نفر مستخدمین بلژیکی که یکی در اسلامبول و یکی در قفقاز مفتش نکرده بود و شش نفر دیگر در اداره گمرک مستخدم بودند رای دادیم و چندین مرتبه در این چهارده ماهی داده ایم برای مستخدمین خارجه و بکمیسیون بودجه رجوع نشده است و حالا هم برای تجدید کتکرات میباید مواظب عجالاً باید بمجلس

معین بکنند که این کتکرات را تصویب می کند یا خیر پس از آنکه تصویب کرد آنوقت تامل می کنیم هیچک از این مطالب ربطی بکمیسیون بودجه ندارد فقط در خصوص آن دو هزار فرانک چون از بودجه کل منظور می شود ممکن است کمیسیون بودجه نظرات خودش را بنماید و الا کلیتاً در خصوص آن هیجده هزار فرانک در بودجه منظور بوده است پس از آنکه مجلس تجدید کتکرات اورا تصویب کرد لازم نیست کمیسیون بودجه در او نظری بنمایند پس حالا مجلس باید معین کند که تجدید کتکرات سه ساله اورا تصویب می کند یا خیر بعد از آنکه این معین شد آنوقت در باب بودجه اش باید رای بدیم اینهم مثل سایرین این از هر جهت باید رجوع بکمیسیون بودجه شود و الا حتمی نمی گوید که کمیسیون بودجه بودجه مسلکتی رسیدگی نکند وظیفه کمیسیون بودجه رسیدگی بودجه مسلکت است و از آن طرف هم می توانم عرض بکنم که کمیسیون بودجه چون هنر ز بودجه کل جمع و خرج را ندیده است و بکمیسیون بودجه فرستاده نشده نمی تواند در این از حیث تامل جمع و خرج را ندیده است و بکمیسیون بودجه فرستاده نشده حالا مجلس باید معین کند که تجدید این کتکرات را اصلاح می داند یا خیر.

حاج سید ابراهیم - بنده اخطار قانونی

دارم در ماده ۱۸ نظامنامه داخلی می نویسد يك کمیسویی موسوم بکمیسیون بودجه مرکب از ۱۷ نفر در اول هر دوره اجلاس به سالیانه از شصت معین میشود و وظایف این کمیسیون می نویسد (۱) تمام مطالب راجع به بودجه سال بعد (۲) تمام اوراق با طرح قانونی که موجب تغییر و خرج سال بعد است این يك لایحه است که تقاضای خرج شده است و باید برود بکمیسیون بودجه بموجب این قانون در ماده بعد می نویسد:

ماده ۱۹ - اگر اوراق یا طرحهای قانونی که متضمن تقاضای وجوه اضافی یا فوق العاده سال جاریه یا گذشته بمجلس پیشنهاد شد آن لایحه و طرحها باید بکمیسیون بودجه سال اخیر رجوع شود مگر در صورتی که دوره تقنینیه بسر آمده و طوری شود که انعقاد کمیسیون سال قبل ممکن نباشد در چنین موقعی اوراق فوق رجوع شد بکمیسیون بودجه این پیشنهاد موافق این مواد باید برگردد بکمیسیون بودجه و لازم برای نیست.

آقا شیخ غلامحسین - اجازه بفرمایید برای

اسکات آقا ماده ۲۰ بخوانم:

ماده ۲۰ - مجلس همیشه میتواند رسیدگی اوراق و طرحهای قانونی را که در ماده ۱۹ ذکر شد بکمیسیون مخصوص دیگری رجوع نماید ولی چنین کمیسیون مخصوص که مأمور رسیدگی اوراق مزبور است فقط باید در کتب لایحه راپورتی بدهد بدون اینکه بتواند در باب خرج عتیقه ای پیشنهاد نماید بموجب این ماده مسلماً باید بکمیسیون بودجه برود (غالب تصدیق کردند).

وزیر پست و تلگراف - بنده از اظهارات

رئیس کمیسیون همچو می فهمم که کمیسیون بودجه بیکار است ولی امسوازم همین چند روز بودجه تمام وزارتخانهها بمجلس بیاید که از اثرات کار اظهار خصمگی

بکنند و در این خصوص اصراری ندارم که باید حتماً برگردد بکمیسیون بودجه بنده در مقابل اکثریت نمی توانم اظهاری بکنم چون برخلاف اکثریت معلوم است نمی شود ولسی عرض میکنم بر فرض که بکمیسیون رجوع شد رای کمیسیون بودجه که قطع نخواهد بود بالاخره رای مجلس باید معلوم شود با این تفصیل بواسطه اینکه مدتی است این آمده بمجلس و نگذشته است و ایام تعطیل این شخص هم سر آمده است بنده تقاضا میکنم که در مجلس مطرح فرارند و رئیس معذکات رای میگیرم در اینکه باید در این مجلس مطرح مذاکره شود یا بر حسب قاعده باید رجوع بکمیسیون بودجه شود که چند فقره پیشنهاد شده است معذکات داخل در مذاکره نمی شوم و رای میگیرم.

منتصر السلطان - ماده ۲۰ را که خواندند

ملاحظه فرمودید می نویسد در باب خرج کمیسیون دیگری اظهار عقیده بنمایند و کمیسیون فواید عامه در خصوص خرجش که عبارت است از آن دو هزار فرانک اصراری ندارد برود بکمیسیون بودجه لیکن سایر مواد و تجدید کتکرات که به چوچه مربوط بکمیسیون بودجه نیست عجالاً وزیر پست و تلگراف هم در خصوص تجدید کتکرات تقاضا کرده اند که در مجلس مذاکره شد رای مجلس معلوم شود و در باب بودجه اش میخواهند برود بکمیسیون بودجه برود اصراری ندارم.

رئیس - اگر بناست که برود بکمیسیون

بودجه دیگر چه لازم که حالا در او مذاکره کنیم همانند تاراپورت کمیسیون بودجه راپورت که آمد در این خصوص کلام مذاکره میکنم

حاج سید نصرالله - بعضی مشاغل دولتی

هست که يك نسبت محفوظی دارد نسبت به طایفه که بهر يك از آنها نسبت خاصی دارد و بطور مطلق نمی توان گفت منافات دارد یعنی يك مرتبه نسبت باین طایفه شملی که بشرط لا است مثل اینکه اگر عضو دیوان محاسبات شد نباید شمل دیگری داشته باشد بجهت اینکه هر کدام از اینها وظایف و تکالیفی دارند که با این شمل نمی سازند یعنی منافات دارند اینجا بشرط لا است یکمرتبه بعضی مشاغل است که لا بشرط است مثل اینکه مثلا شمل معامی داشته باشد اینجا با هم میسازد حاصل آنکه مشاغل است که با هم میسازد و لا بشرط است و بعضی است که نمی سازد و بطور عملاً تناقض دارد و بشرط لا است

آقا محمد بروجردی - اینجا چنین نوشته

است که اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند بجهت اینکه انتخاب بکدسته اصحاب معامی میشود و آیا برای نمایندگی خود مجلس هم این مدتها معطل میشوند یا نه و قبلاً از شمل خودش استعفا میدهند یا نه بعد در هر سال این خیلی اسباب معطلی خواهد شد پس باید بنویسند که اشخاص ذیل از انتخاب شدن محرومند که ابتداء کاری با آنها نداشته باشند.

فهییم الملک - يك مطلبی میفرمایند که

بکلی مخالف بقانون است چطور میشود بيك نفر بکوی از کار خود استعفا بده تا تورا انتخاب کنیم بعد از انتخاب بمیل خود است یا اینکه از شمل دولتی استعفا میدهد و عضویت دیوان محاسبات را قبول می کند یا اصلاً عضویت دیوان محاسبات را قبول نمیکند قبل از وقت که نمیشود اورا بیکار کرد که اورا انتخاب خواهند کرد یا نخواهند کرد

میکند که این را توضیح بفرمایند.

فهییم الملک - ابتدای ماده را اگر ندری قدرت بفرمایند گویا اشکالی نباشد در اول ماده می نویسد که اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتیکه پس از عضویت دیوان مزبور از شمل خود استعفا دهند - اولاً کسانی که دارای شغل دولتی بوده اند این اشخاص نمی توانند دارای عضویت باشند - ثانیاً نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا و انجمنهای ولایتی و ایالتی و بلدی شمل این عده هم با دیوان محاسبات موافقت ندارد یکی از این دو را باید قبول کنند حالا اگر عضویت دیوان محاسبات را قبول کرد از شمل سابق خود استعفا میدهد.

حاج سید ابراهیم - بنده آنروز هم

عرض کردم که مقصود از این ماده این است که اعضای دیوان محاسبات مادامیکه دارای این شغلند شمل دیگری نباید داشته باشند یعنی دو شغل را نباید در عهده بگیرند و این عبارت کافی نیست و لاف بنویسند کسانی که دارای شغل دولتی هستند مثلاً اهل نظام ممنوع هستند یا ممنوع نیستند البته ممنوع هستند زیرا که بسا می شود خدمات عسکریه اجبار است یعنی در زمانیکه عضو هستند خدمت دیگری از مشاغل دولتی را ممنوعند از این جهت باید عبارتی بنویسند که واقعی باشد.

حاج سید نصرالله - بعضی مشاغل دولتی

هست که يك نسبت محفوظی دارد نسبت به طایفه که بهر يك از آنها نسبت خاصی دارد و بطور مطلق نمی توان گفت منافات دارد یعنی يك مرتبه نسبت باین طایفه شملی که بشرط لا است مثل اینکه اگر عضو دیوان محاسبات شد نباید شمل دیگری داشته باشد بجهت اینکه هر کدام از اینها وظایف و تکالیفی دارند که با این شمل نمی سازند یعنی منافات دارند اینجا بشرط لا است یکمرتبه بعضی مشاغل است که لا بشرط است مثل اینکه مثلا شمل معامی داشته باشد اینجا با هم میسازد حاصل آنکه مشاغل است که با هم میسازد و لا بشرط است و بعضی است که نمی سازد و بطور عملاً تناقض دارد و بشرط لا است

آقا محمد بروجردی - اینجا چنین نوشته

است که اشخاص ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند بجهت اینکه انتخاب بکدسته اصحاب معامی میشود و آیا برای نمایندگی خود مجلس هم این مدتها معطل میشوند یا نه و قبلاً از شمل خودش استعفا میدهند یا نه بعد در هر سال این خیلی اسباب معطلی خواهد شد پس باید بنویسند که اشخاص ذیل از انتخاب شدن محرومند که ابتداء کاری با آنها نداشته باشند.

فهییم الملک - يك مطلبی میفرمایند که

بکلی مخالف بقانون است چطور میشود بيك نفر بکوی از کار خود استعفا بده تا تورا انتخاب کنیم بعد از انتخاب بمیل خود است یا اینکه از شمل دولتی استعفا میدهد و عضویت دیوان محاسبات را قبول می کند یا اصلاً عضویت دیوان محاسبات را قبول نمیکند قبل از وقت که نمیشود اورا بیکار کرد که اورا انتخاب خواهند کرد یا نخواهند کرد

معزز الملک - عموماً شرایطی که در قانون نوشته میشود فقط برای پذیرفتن اشخاصی میشود که آن اشخاص باید دارای آن شرایط باشند یا این است که یک شخصی دارای آن شرایط هست یا نیست در اینجا فقط دو شرط معین کرده است برای آن کسانی که نمیتوانند عضویت دیوان محاسبات را دارا باشند که دارای مشاغل دولتی هستند و یکی که در واقع مشغول است یکی از کارهای وکالت و پس از آنکه آن قانون از مجلس گذشت کسانی که سواً این شرایط بعضی مشاغل دیگر دارند قانوناً نمیتوانیم آنها را انتخاب کنیم مثلاً اگر کسی محکوم باشد بجنحه یا جنایتی این قانون هم نمیگذرد که این شخص محکوم است و امروز که اظهار شد که این دو شرط را باید قید کرد آقای ممبر گفتند که تا این دو شرط را قانون قرار بدیم بر میخورد مجلس بجهت اینک خیلی واضح است و مجلس کسی را که محکوم باشد انتخاب نخواهد کرد این دخیلی بقانون نویسی ندارد ممکن است که یک کسی محکوم باشد ولی مجلس شورای ملی در آن موافق است که او را انتخاب میکنند هیچ اشخاصی نداشته باشند مثلاً این شرط قید شده است در قانون و از طرف دیگر ما حق میبیم بوزیر مالی که اشخاصی را برای عضویت دیوان محاسبات میتواند به مجلس شورای ملی معرفی نماید نه این دو شرط در آنها نباشد وزیر مالی میباید که سابقه این دو شرط را از قانون نداشته باشد مجلس شورای ملی بوزیر مالی نرس میبکند که چرا این را معرفی کردی به مجلس چه حق دارد که یک شخصی که محکوم بوده است و یک کسی که دردی کرده انتخاب نمیشود بواسطه یک خیال موهوم که این شرط قرار بدیم به مجلس شورای ملی بر میخورد نمیتواند عمل گذاشت معصود این است که شرایطی که در قانون می نویسد باید دارای شرایطی باشد جامع که اگر بعد از آنکه آن قانون قانون نشد آن شخصی که دارای شرایط باشد محکوم خواهد بود مابقی برای این دو شرط ولو اینکه محکوم باشد حق انتخاب خواهند داشت.

سلیمان میرزا - بنده علاوه بر آنچه آقای معزز الملک اظهار فرمودند خواستم تقاضا کنم که بتوان اصلاح افزوده شود مشاغل تجارتهای هم معاف باشد بجهت اشخاصی که مشغول امور دیوان محاسبات شدیم کنیم که کار دیگری نداشته باشد تا درست از عهده خدمات خودش بر آید و در موضوع بعضی کارهای انتظامی می بینم که این قید نشده است و باینکار نرسید با فرضاً اگر این ها را بیک مأموریتی معین کنند نیاید چون کار دیگری دارند مثلاً بعضی اشخاص هستند که در هر کمیسیون انتخاب میکنند چون در خارج مشاغل دارند که با این اشخاصشان منافعی است از کمیسیونها استفاده میکنند و با استفاده هم که مسدود نیست آنوقت کار آنها با یک عهده دیگری میشود و بنده پیشنهاد میکنم افزوده بشود که هیچ کار دیگر نداشته فیر از آن کاری که برای آن انتخاب میشود.

آقامحمد - بنده باز راجع به همان عرض خودم عرض میکنم که در این جا می نویسد که اشخاص

ذیل از عضویت دیوان محاسبات محرومند مگر در صورتی که پس از قبول عضویت دیوان معزز الملک شغل خود استعفا دهند که یک مدتی برای این معین کنند که قبول شغل با استعفا خودش را در این مدت معین نمایند این مسئله تفصیلاً لازم ندارد.

محمد هاشم میرزا - این شرحی را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند اختصاص باعضای دیوان محاسبات ندارد این شرط باید در کلیه مستخدمین دولتی باشد اما در این عبارتی که نوشته است محرومین از انتخابات چنانچه در نظامنامه انتخابات مجلس مینوشد آنها را که شرط قرار نگیرد در جزء ماده بعد عیناً مینویسد بعضی فائده آن شرط را جزء محرومین از انتخابات مینوشند تا واضح باشد و در نظامنامه های قبل انجمن ولایتی و ایالتی شرایطی را که برای محرومین از انتخاب نوشته اند در باره آنها که محروم از انتخاب هستند در نوشته اند که کاین جا هم عیناً بنده این است که اگر این جا هم نوشته شود ضرری ندارد و بهتر است.

پیشنهاد آقای معزز الملک بسیار معنی بود فرات شد.

تقاضا می کنم که ماده ۲۳ برای تکمیل شرایط انتخاب بکمیسیون بر گردد.

فهمیم الملک - این مقاصد ربطی بماده ۲۳ ندارد و بنده تمسب میکنم از فرمایشات آقای معزز الملک که ممبر نمایند وزیر مالی یک کسی را که همین قدر که این دو شرط را دارا باشد پیشنهاد میکند و مجلس هم انتخاب میکند دیگر هیچ در این ماده نوشته نشد که هر کس را وزیر مالی پیشنهاد کرد مجلس قبول کند هیچ نوشته اند که اگر وزیر مالی یک جانی و قائلی را به مجلس پیشنهاد کند مجلس مجبور است که حتماً او را انتخاب بکند اینک این شرایط را ننوشته ایم منوط کرده ایم بنظر مجلس اگر بنویسیم در این جا فائلی نباید انتخاب شود حکماً یک قائلی را انتخاب میکنند نه.

این یک وهنی میشود برای مجلس و هیچ لازم نمی دانم این ربطی باین ماده ندارد این ماده می گوید مشاغلی که با عضویت دیوان محاسبات منافات دارد این دو شرط است یکی مشاغل دولتی است و یکی عضویت سنا و مجلس و انجمن های ایالتی و ولایتی حالاً تماماً اگر باید قید شود که محکومین و اشخاص جانی و قائل نباید عضو دیوان محاسبات شوند معرفی است علیحده و اولاً بنده لازم نمی دانم بجهت اینک یک چیزی است که باید بکند ماده در کمیسیون بنویسد و پیشنهاد کنند و برگشتن این ماده را به کمیسیون بنده لازم نمی دانم این یک چیزی نیست که در این ماده گنجانیده شود باید در ماده دیگر نوشته شود و در پیشنهاد آقای معزز الملک هم علیحده باید رأی گرفت اگر تصویب شد بیک کمیسیون برود.

حاج آقا - بنده دیرباز زود لازم می دانم که یکی از قوانین بسیار مهمی که باید از این مجلس گذشته شود یکی قانون استخدام مستخدمین ادارات دولتی است که در آن قانون برای مستخدمین ادارات دولتی شرایط عمومی و خصوصی وضع خواهد شد و در مرقع اجراء خواهد آمد و بعضی است که بعد از

که محکوم میکنند از عضویت چه چیز است مثلاً عضویت مجلس شورا یا سنا قانون نمیتواند با اجازه بدهد که عضو دیوان محاسبات بشود و از این شرایط گذشته ممکن است که وزیر هر کس را که دلش می خواهد پیشنهاد کند عرض میکنم که یک وزیر مالی بی سابقه پیشنهاد کرد و معرفی کرد اسم ه نفر را به مجلس و اتفاقاً مجلس آن پنج نفر را ندیده و نشناخته آنها را انتخاب کرد حالیه چه شده است چون شما این را پیش بینی نکرده اید بدیوان محاسبات ه نفر همچو اشخاص دارد می شوند که شما نتوانید با آنها اطمنان پیدا کنید پس چه ضرر دارد اگر شما در کمیسیون این نظرها را دور نیندازید و یک دقتی بکنید که اگر ما یک همچو شرطی را بکنیم بر نمی خورد چه ضرر دارد که در کمیسیون یک تجدید نظری و یک دقتی کرده شرایطی بکنید و اگر وزیر مالی بخواهد انتخاب کند دانسته یا ندانسته انتخاب نکند یا اینکه خود شما می خواهید انتخاب کنید یک سرمشق و یک دستورالعمل معینی داشته باشند که از آن نتوانند تخلف کنند ضرری ندارد.

فهمیم الملک - بنده زیاد برای توضیحی عرض نمی کنم ووا گذار میکنم برای مجلس ولی عرض می کنم هر قانونی باید بعد از آنکه فدری در مملکت معمول شد و تجاربی حاصل شد و محسنتات و معایب آنرا مین کردند آنوقت آنرا وضع و اجرا میکنند و امروزه بزرگان محکوم بودن بجنحه و جنایت در مملکت چیست فرساده ایام است بعد کسی را برنده و حبس کردند و چون رده را اگر حالا بخواهیم آن اشخاصی را محکوم فرار بدیم باید خیلی اشخاص را محکوم کرد در صورتی که مظلوم بوده اند پس برای میزان محکومیت بجنحه و جنایت باید قانونی وضع کرد مثلاً اگر میزان سرعت را بپذیریم ما می توانیم خیلی از اعمال که معمول و متداول سابق بوده است داخل در سرعت محسوب بداریم اینها عنواناتی می شود در دست اشخاص که بخواهند یک اداره ای را خراب کنند پس وقتی که یک میزان درستی برای جنحه و جنایت و سرعت معین نشده است بنده گمان می کنم نمی شود چیزی نوشت با وجود این عرض کردم آنطوری که آقایان ملاحظه فرموده اند اگر بنویسیم مجبوریم بکنیم و اگر بنویسیم نمی بکنیم می توان گفت که چون در قانون قید نشده است که مطابقه نسوان از انتخاب محرومند پس باید از آنها انتخاب شود اینها چیزهایی است که مسلم است در مملکت محتاج به تذکر نیست با وجود این حالا در اصل این پیشنهاد ملاحظاتی کرده ام می توانم رأی بدهم این قابل توجه است که بکمیسیون ماده ای راجع بنوع بودن اشخاصی که محکوم بجنحه و جنایت و امثال آن هستند آیا بکمیسیون ماده ای لازم است که ضمیمه شود یا خیر اگر لازم است که رأی داده شود بعد در کمیسیون هم بکمیسیون اضافه و مجلس پیشنهاد خواهد شد حالا بنده با اکثریت مجلس است.

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای معزز الملک کسانی که تصویب می کنند که این ماده برگردد بکمیسیون موافق این پیشنهاد قیام نمایند (با اکثریت تصویب و رجوع شد بکمیسیون)

سلیمان میرزا - این ماده ملاحظه ندارد و بنده میخواستم عرض کنم که در پیشنهاد بنده رأی بگیریم اگر قابل توجه نشد آنوقت بر گردد به کمیسیون.

رئیس - آنها تمام رجوع شد بکمیسیون.

حاج سید ابراهیم - در اینجا نوشته است که در زمان تعطیل مجلس شورای ملی مراد از تعطیل اگر تابستان باشد و در زمان تعطیل بین دوره تقنینیه و اجلاس مجلس منقضی باشد در این صورت این عبارت دلالت ندارد اگر مدتشان سر آمده باشد در این زمان تکلیفشان چه خواهد بود.

فهمیم الملک - تفاوت نمیکند هر وقت مجلس شورای ملی متفرق است مطابق ماده چهاردهم عمل میشود و هر وقت نیست باید باشند تا موقع افتتاح بیاید.

رئیس - رأی میگیریم بر ماده ۲۴ بطوری که در راپورت کمیسیون پیشنهاد شده است کسانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)

ماده ۲۷ - رئیس کل و مدعی العموم صامی و مواظب خواهند بود که در هر موقع مراسم قانونی رعایت شود و مدعی العموم در صورت مشاهده تخلف مراتب را بریاست کل اطلاع داده و اصلاح آنرا درخواست خواهد کرد.

حاج سید ابراهیم - این لفظ مدعی العمومی اولی که اینجا نوشته زیاد است بجهت اینکه رئیس کل مواظب خواهد بود و مدعی العموم مراتب را بر رئیس کل اخطار خواهد کرد والا رئیس کل و مدعی العموم هر دو مواظب خواهند بود و بنده نمی فهمم.

فهمیم الملک - این مطلب واضحی است مدعی العموم و رئیس کل هر دو مواظب خواهند بود در مواد شرحش می آید ملاحظه خواهید فرمود چه وظایفی دارند و باید مدعی العموم مواظب باشد حالا اگر رئیس کل متفرق شد و اخطار میکند اگر مدعی العموم تلفت نشد او اخطار میکند.

سلیمان میرزا - بنده گمان میکنم بمکس فرمایش آقای حاج سید ابراهیم هیچ رئیس کل نمی خواهد زیرا که مدعی العموم همه جا ناظر و حاکم است هیچ این وظیفه رئیس کل نیست و همانطور که آقای آقا میرزا مرتضی قلی خان فرمودند وظایف مدعی العموم در دیوان محاسبات این حق را مدعی العموم داده و معلوم است پس از آن که مدعی العموم جلب کرد یکی را به محکمه البته با اطلاع رئیس کل خواهد بود و بمقتضیه بنده رئیس کل این جا زیادی است و تقاضای حذف آنرا دارم.

فهمیم الملک - فقط جلب به محکمه است که بتقاضای مدعی العموم میشود ولی آن وظایفی که در این قانون شرح داده می شود او وظایف خودش را بعمل خواهد آورد و آن وظایفی که باید اقدام و اخطار به مدعی العموم بشود رئیس کل باید مواظب ناظر باشد ابتدا مدعی العموم نمی تواند بآنها رسیدگی کند.

سلیمان میرزا - بنده پیشنهاد کردم که لفظ رئیس کل از این ماده حذف شود گویا ممبر محترم توجه نکردند مدعی العموم نماینده دولت است و همیشه باید مراتب باشد که هر جا دید خلاف قانون شد آن شخص مخالف را جلب به محکمه کند و از جانب دولت با او طرف معاکه واقع شود این کار بهیچ وجه وظیفه رئیس کل نیست نه در دیوان محاسبات و نه در عدلیه در هیچ جا فقط مخصوص به مدعی العموم است خوب ممبر محترم بفرمایند که در وظایف رئیس کل مدعی العمومی کجا این حق مخصوص مدعی العموم است و بنده پیشنهاد می کنم که رئیس کل حذف شود.

افکار الواعظین - بنده می خواستم سؤال کنم آیا ممکن است که در یک اداره رئیس آن اداره مراقب جریان آن اداره و حافظ آن نباشد و باید فقط مدعی العموم مواظب باشد برای اجرای قانون آن اداره بدیو است که رئیس کل هم باید کمال جد و جهد را برای قوانین آن اداره مثل مدعی العمومی داشته باشد و رئیس کل لازم است و نباید حذف شود.

سلیمان میرزا - این که آقایان جد دارند که رئیس کل در این جا باشد تأمل بفرمائید که این جا نوشته شده است که مدعی العموم بر رئیس کل اطلاع بدهد پس در هر حال باید بر رئیس کل اطلاع بدهد و من نمی دانم چرا آقایان اصرار دارند.

رئیس - حالا رأی میگیریم اول بر ماده ۲۸ ترتیبی که شاهزاده سلیمان میرزا پیشنهاد کرده است بعد از رئیس کل کسانی که موافقت با آن ماده بعد از رئیس کل قیام نمایند [ماده ۲۸ مورد اصلاح تصویب شد]

ماده ۲۸ - هر گاه معاکم دیوان محاسبات از انتقاد جلسات اهل نمایند و یا بتکلیف خود عمل نکنند یا از دایره نظم خارج شوند رئیس کل بآنها اخطار خواهد کرد در صورت لزوم می تواند مجلس عمومی رجوع نماید مدعی العموم هم در موارد فوق حق دارد مراتب را بر رئیس کل اطلاع داده تشکیل مجلس عمومی را تقاضا نماید.

حاج آقا - قبل از آنکه مطالعه مواد شود رأی گرفته می شود و چهار یک اشکالی می شود چنانچه الان در آن ماده ۲۷ بنده پیشنهاد رأی گرفته شد که لفظ رئیس کل حذف شود باید حذف کنیم از این ماده که به تکلیف خود عمل نکند گمان می کنم که اگر یک رئیس کل ناظر بر جریان قانون بشود و یک مدعی العمومی هیچ منافات نداشت که رئیس کل که مشغول صحت اعمال اداری است در مقام خلاف قانون اخطار قانونی بکنند خصوصاً رئیس کلی که مشغول است و باید اجرای قانون را همیشه در نظر داشته باشد ناموافق آن قوانینی که بنویسیم این جا بتکلیف خود عمل بکنند یعنی بموجب این ماده مدعی العموم باید مواظب باشد و بر رئیس کل اخطار بکنند و رئیس اجرا بکنند و این که در این

موقع هر دو حق دارند و میتوانند نظر داشته باشند و این ماده ۲۸ همان ماده اول است و یک مقداری شرح آن در این ماده شده است .

حاج سید ابراهیم - در این ماده مجازات عمل نکردن بوظایف خود و احوال در تشکیل محاکم و خروج از دائره نظم اینها را معلق کرده است به مجلس عمومی و حال آنکه مشمول حفظ نظم در تمام ادارات و تشکیل محاکم و کوناه میگردن اعضاء از وظایف خودشان تماماً بارتیس کل است و علاوه بر آن حق محاکمه و اخطار را هم باو داده ایم و باقی بمجلس عمومی را گذار شده و این را عقیده ندارم و گمان میکنم اینطور باید نوشته شود که رئیس کل بعد از آن اخطار و حفظ نظم را بعهده خواهد داشت والا در خروج از دائره نظم اگر رجوع به مجلس عمومی بکنند دیگر رئیس کل برای چه لازم است که مسئولیت آن را بعهده داشته باشد .

سلیمان میرزا - آقای حاج آقا باک اشکالی به بنده فرمودند و حال آنکه وارد نبود و بر مقصودات خودشان اشکال فرمودند بنده مواد را کمالاً خوانده ام ولیکن آقای حاج آقا فراموش فرمودند فرق ما بین قانون و نظامات را آنکه در ماده فوق نوشته شده است راجع بقانون است مدعی العموم حافظ قانون است که اگر خلاف قانونی شود او حق دارد که طرف را جلب کند و با او محاکمه کند و تکلیف را معلوم کند اما ماده بعد در موضوع نظامات است در این موضوع هر دو حق داده شده است هم مدعی العموم و هم برتیس کل و بنده هر دو را خواندم و بازمه میخوانم که حاج آقا دقت فرمایند هر گاه محاکم در دیوان محاسبات از انعقاد جلسات احوال نمایند و یا بتکالیف خود عمل نکنند از دائره نظم خارج شوند رئیس کل به آنها اخطار خواهد کرد و در صورت لزوم میتواند به مجلس عمومی رجوع نماید این جا فقط نظر متین به نظم داخلی است در غیر آمدن و زود آمدن و از دائره نظم خارج شدن و سایر چیزهایی که راجع به نظم داخلی است گفتگو از قانون نیست و در این موقع هم مدعی العموم حق دارد هم رئیس کل ولیکن در ماده فوق که هیچ مراعات قانون نشده است آن حق مدعی العموم نیست لایغر

آقا میرزا ابراهیم قمی - در مطالبی که خلاف قانون میشود غیر از مدعی العموم کسی حق ندارد که طرف را جلب به محاکمه کند و رئیس کل هم مطلع شود باید به مدعی العموم اخطار کند .

حاج آقا - این جا مطالب یا در حد افراط صحبت میشود یا تفریط و این را تصور میکنم که اگر مطالبی که در این ماده خوانده میشود یک جمله را خیلی با تانی بخوانند یکی را خیلی تند این پنج چیزی که آن جا نوشته شده است تغییر نمیدهم مثلا اگر همچو بخوانیم که هر گاه محاکم دیوان محاسبات از انعقاد جلسات احوال نمایند و یا بتکالیف خود عمل نکنند یا اینکه خیلی تند بخوانیم این کلمه را یا از دائره نظم خارج شود این تکالیف موازین بر میآورد بواسطه اینکه بتکالیف عمل نکردن شامل وظایف و عمل نکردن

بتکالیف قانونی هر دو می شود بواسطه اینکه عمل کردن بقوانین متره است که برایشان گذاشته شده است و اینکه میگویند اگر در مواقعی رئیس کل ملقت شد که یک خلاف قانونی شده است باید بمدعی العموم اطلاع بدهند بنده تعجب می کنم آنجا رأی دادند اگر مدعی العموم بود باید برتیس کل اطلاع بدهد .

رئیس - رأی میگیریم بر ماده ۲۸ بطوری که در راپورت کمیسیون نوشته شده است کسانی که موافقت دارند قیام نمایند [با اکثریت تصویب شد] ماده ۲۹ - در مواردی که مجلس عمومی مطابق مواد فوق برای رسیدگی بشکایات تشکیل میشود راپورتی از اعتراضاتی که شده است و نتیجه فراراد مجلس بتوسط وزیر مالیه به مجلس شورای ملی داده خواهد شد .

حاج شیخ اسدالله - این جا میباید راپورتی از اعتراضاتی که شده است ممکن است اعتراضاتی نباشد علاوه بر آن بعضی چیزهاست که مثلا از قبیل انتظامات داخلی است مثل اینکه یکی از اعضاء از دائره نظم خارج شود از این قبیل چیزها که راجع به انفصال یک عضوی نباشد ممکن است باشد و در این صورت همان اخطار رئیس کل ورأی مجلس عمومی کافیست میکند و دیگر گمان نمی کنم محتاج باین باشد که به مجلس شورای ملی پیشنهاد شود .
فهییم الملک - ملاحظه فرمایید که در ماده دیگر می نویسد که در صورتی که یکی از اعضاء از دائره نظم خارج شود رئیس کل به او اخطار خواهد کرد و در صورت لزوم مجلس تشکیل خواهد شد تا معلوم بشود که مجلس عمومی همیشه تشکیل نخواهد شد بلکه در موقعی که لزوم پیدا می کند معلوم است که موقع لزوم وقتی است که آن مسئله اهمیت داشته باشد که در آنوقت مجلس عمومی تشکیل میشود و بعد از مذاکره راپورت آن بتوسط وزیر مالیه بمجلس داده خواهد شد .

رئیس - دیگر ملاحظه در این ماده نیست [اظهاری نشد] پس رأی میگیریم کسانی که ماده ۲۹ را بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می کنند قیام نمایند [اغلب قیام نمودند با اکثریت تصویب شد]

ماده ۳۰ - در صورتی که اعضاء دیوان محاسبات در اجرای تکالیف خود احوال و درزند یا احوالی از ایشان مشاهده شود که با مقام آنها منافات دارد دیوان محاسبات حق مؤاخذه و انفصال موقتی و عزل را نسبت بآنها دارد ولی در صورت عزل موافق ماده ۲۰ رفتار خواهد شد .

حاج سید ابراهیم - اینکه نوشته شده است یا احوالی از ایشان مشاهده شود که با مقام آنها منافات دارد هیچ معنی نیست که مقام آنها چه مقامی است و احوالی که با مقام آنها منافات داشته باشد این عبارت قانونی نیست ما باید معنی این ماده را بفهمیم که چیست تا اینکه بتوانیم در آن رأی بدهیم .
فهییم الملک - این جا مطالبی است که راجع است بنظامنامه داخلی یک اداره در اینجا فقط اساس و بطور کلی موادی نوشته می شود و معلوم

است که دیوان محاسبات نظامنامه مفصلی خواهد داشت و در آن کارهایی را که منافی با مقام هر یک از اعضاء دیوان محاسبات باشد ذکر خواهد کرد والا در این جا نیستند حالا شرح داده که این ماده راجع است به معنی و باینها آنرا کارها که با مقام اعضاء دیوان محاسبات منافات دارد چیست مقصود از این ماده فقط این است که اعضاء دیوان محاسبات همیشه در سر خدمت خودشان مشغول باشند و کار دیگری را که منافات باشد و مقامشان داشته باشد در عهد نکیرند .

سلیمان میرزا - بنده با آقای مغیر موافقم و میبندم می خواستم عرض کنم که مراد از دیوان محاسبات که در اینجا نوشته است کویا مجلس عمومی دیوان محاسبات است و مراد همین است خوب است برای توضیح مواد نوشته شود مجلس عمومی دیوان محاسبات حق مؤاخذه و انفصال و عزل را نسبت بآنها دارد .

حاج سید ابراهیم - بنده باز عرض خود را تکرار می کنم اینجا می نویسد در صورتی که اعضاء دیوان محاسبات در اجرای تکالیف خود احوال و درزند یا احوالی از ایشان مشاهده شود که با مقام آنها منافات دارد دیوان محاسبات حق مؤاخذه و انفصال موقتی و عزل را این یعنی چه ؟ یعنی اگر کاری بکنند که از دائره نظم خارج باشد آنکه در ماده پیش گذشت گفته شد بنده مراد از این ماده کویا این باشد که خبثاتی در شغل خودش بکنند اگر مراد این است که خوب است توضیح شود والا عملی که با مقام آنها منافات داشته باشد بنده عقیده هیچ معنی ندارد و هیچ معلوم نیست که مراد چه عملی است .

آقا محمد - اینکه نوشته شده است دیوان محاسبات حق مؤاخذه و انفصال موقتی و عزل را نسبت بآنها دارد . یعنی تمام اعضاء دیوان محاسبات این حق را دارند با عده مخصوصی از آنها این را خوب است مغیر محترم توضیح فرمایند .

فهییم الملک - مقصود از آن چیزیکه در این قانون نسبت به دیوان محاسبات داده میشود منظور است که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند مجلس عمومی دیوان محاسبات است که در آنجا آن مسئله مطرح میشود و هر چه اکثریت آن مجلس آنرا قبول کرد رأی دیوان محاسبات است .

کاشف - بنده اظهارات آقای حاج سید ابراهیم را تأیید میکنم در این که میفرمایند باید عبارت توضیح شود و عرض میکنم که بیک اصلاح عبارتی رفع این اشکال خواهد شد و آن این است که نوشته شود رفع اشکال خواهد شد والا اینطور نیست در این ماده رأی داده .

حاج شیخ اسدالله - بنده اولاً می خواهم عرض کنم فرمایش شاهزاده را که میفرمایند مراد از دیوان محاسبات در این ماده مجلس عمومی است در این ماده نوشته شده که مجلس عمومی دیوان محاسبات حق مؤاخذه و انفصال موقتی و عزل را دارد یا اینکه در آخر ماده توضیح شود که مراد از دیوان محاسبات در این مواد مجلس عمومی دیوان محاسبات است و تا این اوقات هم با آقای حاج سید ابراهیم در اینکه

این عبارت مجمل است باید معلوم شود که آن عملی که با مقام آنها منافات دارد در صورت ارتکاب آنها در مجلس عمومی مطرح مذاکره میشود و بسامت که موجب انفصال آنها هم میشود چه چیز است اینجا یک عبارتی بطرز اجمال نوشته شده است و هیچ معلوم نکرده اند که چه چیزها از اعضاء دیوان محاسبات است و چه چیزها از آنها نیست که اگر از آنها مشاهده شود اسباب عزل آنها خواهد شد بنده عقیده بنده اینطور نمی شود در این ماده رأی گرفت باید بر گردد برود بکمیسیون و در آنجا مراد از این ماده توضیح شود دو مرتبه بمجلس پیشنهاد شود و در آن رأی بگیریم .

حاج عز الممالک - بنده میخواستم عرض کنم که با خواندن ماده ۲۰ رفع اشکال خواهد شد بجهت اینکه ترتیب یک طوری هست که مجلس عمومی میتواند فوری آنها را عزل کند باید بعد از آنکه مسئله ای که راجع به تصویب آن عضو است در مجلس عمومی مطرح مذاکره شده و مجلس عمومی با اکثریت انفصال آن عضو را تصویب کرده بتوسط وزیر مالیه راپورت آن بمجلس پیشنهاد شود و مجلس انفصال و عزل آن عضو را تصویب یا رد کند و در این صورت گمان نمیکنم که حل اشکال باشد .

حاج آقا - بنده میخواستم همین را عرض کنم و اگر ماده ۲۰ خوانده شود بکلی رفع اشکال خواهد شد برای اینکه بنویسد مسائل راجعه بوزل اعضاء دیوان محاسبات بتقاضی وزیر مالیه یا رئیس کل دیوان محاسبات با حضور اعضاء تمام محاکم مذاکره و اخذ رأی شده و بتوسط وزیر مالیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد و کسب تکلیف می شود در ایام تعطیل مجلس شورای ملی اگر عضوی قابل انفصال شد موقتاً از کار خارج میشود تا پس از افتتاح مجلس شورای ملی تکلیف از معلوم شود بعد از آنکه این ماده نوشته شده دیگر تصور نمیکنم که دیگر محتاج به توضیح باشیم خصوصاً در آخر این ماده ارجاع کرده است بنده ۲۰ و نوشته است که در صورت عزل موافق ماده ۲ رفتار خواهد شد .

رئیس - معلوم میشود اشکال دیگری در این ماده نیست حالا رأی می گیریم بر این ماده ۳۰ بطریقی که کمیسیون پیشنهاد کرده است و خوانده شد کسانی که موافقت قیام نمایند [اغلب قیام کردند و تصویب شد]

ماده ۳۱ - معینینی که در انجام امور کوناه می نمایند رئیس کل حق مؤاخذه را از آنها خواهد داشت و در صورت تکرار با حضور رؤسای محاکم بازخواست خواهد شد .

شیانی - اینجا کمیسیون معینینی که در انجام امور محاکم می نمایند رئیس کل حق مؤاخذه را از آنها خواهد داشت لفظ مؤاخذه با بازخواست یک معنی دارد و اگر باشد این را بنویسد خوب است بعد از اینکه نوشته شده است رئیس کل حق مؤاخذه را از آنها خواهد داشت وقتی که قرار شد بازخواست بکنند بجای بازخواست یک کلمه ای را بنویسد که مجازاتش یک درجه بیشتر از بازخواست باشد .

حاج شیخ اسدالله - این جا همین قدر نوشته است که مؤاخذه میکند یا اینکه بازخواست میکند دیگر هیچ مجازاتی و درجانی برای آن معنی نکرده است و مؤاخذه یا بازخواست فقط معنی آن این است که رئیس کل بآن عضو خواهد گفت چرا از موقع دیر آمدی یا اینکه فلان کار را چرا کردی و باین قدر نمیشود اکتفا کرد بنده عقیده ام این است که باید برای این مطلب یک درجانی و برای هر درجه یک مجازاتی فرار داد که در صورتی که تخلف کرد بآن مجازات محکوم باشد باین ترتیب که مثلا رئیس کل در مرتبه اول باو اخطار خواهد کرد اگر متنبه نشد در ثانی مقرر یک روز او را توقیف خواهد کرد و همینطور در مرتبه ثانی و ثالث رابع تا برسد بمقامیکه مستحق انفصال بشود که آن بسته برای مجلس عمومی و تصویب مجلس شورای ملی است و الا بنده عقیده بنده نمیشود در این ماده رأی داد .

ارباب کیخسرو - بنده در کمیسیون توانم - مایه این اعتراض را عرض کردم سابق هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم قانون را ما آن می نویسیم ولی آنچه را که لوازم اجرای آن است در کنار اون میگذاریم و فقط یک لفظ مؤاخذه یا مجازات در قانون میآوریم در صورتی که تا بحال در مقابل تمام این قوانینی که نوشته شده است یک قانون مجازاتی هنوز نوشته نشده است و بنده نمی دانم بعد از اینکه این قانون نوشته شد و یک دیوان محاسبات تشکیل شد اگر از اعضاء آن خلایق مشاهده شد از روی کدام قانون مجازات آنها را در تحت مسئولیت خواهید آورد اینجا می نویسد رئیس کل مؤاخذه میکند در نظامنامه داخلی مجلس شورای ملی برای مؤاخذه و مجازات آن درجانی معین کرده است در ماده فوق هم بنده اجازه خواستم عرض کنم حتی در باره عزل آنها می خواهم عرض کنم چه چیز آنها را محکوم بجزل میکند این باید معین شود نه آنکه بکسکه جزئی اسباب این شود که یکی را عزل نمایند و وقتی که درجه مؤاخذه و مجازات معین شد آنوقت هر کس که باید محکوم بشود باالطبع محکوم میشود این است که بنده تقاضا میکنم قانونی که نوشته میشود مجازات آنها هم در ضمن نوشته شود .

فهییم الملک - قانون مجازاتی را که آقای ارباب کیخسرو میفرمایند خیلی لازم است و باید نوشته شود ولی ممکن نیست که در قانونیکه می نویسیم یک قانون مجازاتی هم در ضمن آن بنویسیم باید یک قانون مجازات کلی که مربوط به تمام قوانین باشد نوشت که برای کلیه خلاف قانون ها آن قانون مجری شود اما در خصوص این ماده معین دو قسم مجازات برای آنها معین شده است یکی اینکه رئیس کل از آنها مؤاخذه کند و مجازاتی برای آنها معین نماید و یکی که بیکدوری سخت تر است این است که با حضور رؤسای محاکم از آنها مؤاخذه و بازخواست نمایند و این برای این است که در انجام امور کوناه نکنند مثلا اگر حسابی باو دادند که این را حاضر کن یا اینکه اسناد آن را بیاور اگر حاضر نکرد این مجازات او خواهد بود و برای اینکه بیشتر از این نباشد قرار داد که مثلا عزل بشود و واجب القتل بشود برای اینکه حساب را در فلان موقع حاضر نکرده است برای این قبیل تغییر هم بنده کفایت است حالا آن چیزهای دیگر را که میفرمایند متصل با عزل میشوند برای

تصصیرات دیگری است که در این ماده ذکر نشده است و آن تصصیرات غیر از این مطلبی است که در این ماده ذکر شده است این ماده فقط راجع به یک تصصیر جزئی است که کوناه نکنند مثل اینکه حساب را در موقع حاضر نکنند یا سایر چیزها همانطور که عرض کردم و معین است که در این قبیل تصصیرات هم یک وقت است که شخصاً رئیس کل مؤاخذه میکند اثرش کمتر است و بیک وقت که با حضور رؤسای محاکم مؤاخذه و بازخواست میکنند اثرش بیشتر خواهد بود و همین دو درجه مجازات برای این قبیل تصصیر کافی است .

ارباب کیخسرو - بنده عقیده ام این نبود که در مقابل مؤاخذن کسی را بقتل برسانند یا بلکه بنده عرض کردم که همانطور که در نظامنامه مجلس شورای ملی برای مؤاخذن درجات معین شده است در اینجا هم باید معین شود که درجه مؤاخذن تاچه اندازه است که نسبت بیک زیاده روی نشود و نسبت بیک بگفتن مقصود بنده این بود .

آقا میرزا ابراهیم قمی - بنده عرض میکنم چرا تخصیص به معینین داده است اگر مستشار ها یا رؤسای محاکم یا اعضاء آنها خلایق بکنند و تصصیری از آنها صادر بشود چه باید بشود .

حاج شیخ اسدالله - توضیحات آقای مغیر کمیسیون به چه برآید تقاضا نکردم بفرماید از مؤاخذن میشود بنده عرض میکنم که یک نفر از اعضاء تصصیری کرد در دفعه اول از او مؤاخذن شد شد باز کوناه در انجام وظایف خودش کرد در ثانی از او مؤاخذن شد در دفعه سیم هم همین طور ولی در مرتبه چهارم باید چه بشود پس باید یک درجانی برای مؤاخذن معین کرد کسی نمیگوید او را نکشید .

آقا قمر ترضی قلیخان - این طالب خیلی واضح است اینکه آقای آقا میرزا ابراهیم فرمودند که چرا اختصاص به معینین داده اند چون معینین خارج بوده اند از این جهت توضیح کرده است و اینکه چرا در این باره درجات مؤاخذن را معین نکرده اند عرض می کنم مؤاخذن حدود ندارد نوشته اند اگر مسامحه کردند از آنها مؤاخذن می شود و آنهم دو درجه برای آن فرما داده اند درجه اول این که رئیس کل شخصاً آنها را خواهد مؤاخذن می کند درجه دوم این است که در حضور رؤسای محاکم از آنها مؤاخذن و بازخواست می کند و مسلم است که مؤاخذن در حضور جمعی از معینین که همه اعضاء دیوان محاسبات هستند خیلی سخت تر است از برای او از آنکه تنها از او مؤاخذن بشود و برای مسامحه کردن در کار هم همین قدر از مؤاخذن کافی است این که آقای ارباب کیخسرو می فرمایند که میزان مؤاخذن و درجات آنرا معین می کنند گمان نمی کنم که الفاظ مؤاخذن را بشود معین کرد که چهار کلمه یا پنج کلمه بشود .

مشیر الدوله - بنده می خواستم عرض کنم که کلاماً موافقم با آن مطالبی که آقای ارباب کیخسرو گفتند مقصود مجازات بر دو قسمت یک مجازات انتظامی داریم و یک مجازات بعد از رسیدگی در محکمه مجازات انتظامی همین است که در این جا نوشته شده است که مؤاخذن می شود ولی مؤاخذن یک چیزی است که هم وقت دارد و این درجات او را نمی رساند در صورتی که برای تخلف از قوانین و نظامات داخلی یک اداره مؤاخذن و مجازات

تفاوتی مقرر می شود و از این جهت است که در این قانون بعضی از مطالب راجع به تصویب امضاء را رجوع کرده است به مجلس عمومی دیوان محاسبات و یکی از مجازات را که عزل است و در مقابل تصویب است عمده می شود راجع کرده است به تصویب مجلس شورای ملی بجزایه اخیری اگر چه دیوان محاسبات ترتیب آن ترتیب اداری است و نباید اعضایش را تغییر باشند ولی چون اعضایش را مجلس معین کرده است حاکم و حکم عالی آنها را در مجلس می شود و رای او قاطع است حالا اگر در یک موردی استثناء شده است آن یک مطلبی است علیحده ولی قانون اساسی عزل و نصب امضاء دیوان محاسبات را به مجلس واگذار می نماید اگر چه در عقیده بنده این بشود که بدون حکم محکمه نباید اینها مأمور بشوند برای این که ما می بینیم که بعضی از ادارات امضاء آنها بوجوب فرمانات منسوب می شود اما وزیر نمی تواند آنها را عزل کند مگر با حکم محکمه و با این جهت عقیده بنده این است که در این مورد بگوئیم که حق مؤاخذنه با رئیس کل و مجلس عمومی است ولی عزل آنها بسته به دستور حکم از محکمه و تصویب مجلس شورای ملی است حالا بنده در این باب اصراری ندارم فقط چیزی که می خواستم عرض کنم در باب مؤاخذنه بود مؤاخذنه درجات دارد برای این که فی الواقع این مؤاخذنه مجازات انتظامیست و از این قبیل همه درزه اتفاق می افتد یک دفعه می بینند یک نفر یک ساعت از سر وقت دیر حاضر می شود یک مرتبه تمام روز را غایب می شود یک مرتبه یک تصویب دیگری می کند یک مرتبه این است که یک اشتباه دفتری می کند پس این نصیرات همین طور درجات دارد و از برای مؤاخذنه آنها باید درجات قرار بدهیم این ترتیب که می گوئیم اگر یکی از امضاء فلان خلاف را بکند مستحق توبیخ است آنوقت یک درجه بالاتر برویم و بگوئیم که اگر بعد از این کار فلان خیرات را کرد مستحق فلان مجازات خواهد بود که مثلا ربع متردی یک ماهه او توبیخ خواهد شد همین طور درجه بدتر بالا برویم تا جایی که برسد با استحقاق انفصال موقتی که آن دیگر از مجازات انتظامی خارج است و بعد از آنکه از مجازات انتظامی گذشت آنوقت مجازات جزئی است که آنها باید در یک ماده دیگری ذکر شود و کلیتاً مقصود بنده در این جا این است که مجازات در آخرین ماده خوب است یک تشریحی از مؤاخذنه و اینکه مؤاخذنه چند درجه دارد و درجات آن چیست بشود و این جهت می خواهم تقاضا کنم که این ماده بر گردد به کمیسیون و این مطلب سریعاً تشریح شود.

حاج آقا - این مطالبی را که آقای مشیرالدوله فرمودند در سرجای خودش صحیح است ولی این مؤاخذنه و ترتیباتی که در این ماده نوشته شده است راجع به نصیرات ابتدائی و چیزهایی است که محاکمه لازم نداشته باشد والا در آنجا اینکه محاکمه لازم داشته باشد و از تصویباتی باشد که موجب انفصال نباشد راجع به مجلس عمومی دیوان محاسبات است که باید در تمام مطالب مهم در همان مجلس عمومی دیوان محاسبات امضاء حاضر شوند و بعد از مذاکره

رای بدهند مگر در آنجائی که راجع به عزل یکی از امضاء باشد که در آنجا چون عزل و انتصاب امضاء به مجلس شورای ملی است مجلس عمومی تشکیل می شود و رای میدهد و نتیجه به مجلس راپورت داده می شود که مجلس رد قبول آن در رای میدهد و بهیچ وجه است که مجلس که حاکم بر محاکم جزه است همان مجلس عمومی است و میشود امضاء دیوان محاسبات را در یک محکمه دیگری که در تحت مجلس عمومی است گفت که محاکمه کنند و حکم بدهند تا اینکه آقای مشیرالدوله بخواهند بفرمایند منوط بحکم محکمه بشود کلبه مطالب در مجلس عمومی مطرح می شود و اگر تصویباتی است که مجازات آن کمتر از عزل است همان رای مجلس عمومی اکتفا می شود والا که راپورتی به مجلس پیشنهاد میشود و مجلس تکلیف آنرا معین می نماید.

ارباب کبخی - بنده باز می خواهم عرض کنم که دیوان محاسبات هر قدر اعضایش کانی باشد باز مقامشان از نمایندگان مجلس شورای ملی که بالاتر نخواهد بود و اگر آقایان رجوع کرده باشند بماده ۱۲۲ نظامنامه داخلی می بینند که در مقام خود نمایندگان تشریح کرده است و از برای مؤاخذنه درجاسات قرار داده است بنده عرض میکنم تمام قوانینی که وضع می شود برای رفع زحمت است حالا چه ضرر دارد که الان برای همین مقرر یک کمیته و یک درجاتی را معین کنند که بعداً اسباب زحمت نشود بجزایه اخیری اسباب امضاء از مجازات و مؤاخذنه بعضی و زیاد روی در مورد بعضی دیگر نشود.

فهییم الملک ماده ای را که آقای ارباب کبخی فرمودند خودشان فرمودند که از نظامنامه داخلی مجلس نوشته شده است پس این مطلب هم راجع خواهد شد بنظامنامه داخلی دیوان محاسبات و در آنجا باید که درجات این مطالب مشروحاً نوشته شود در این قانون نباید آن ترتیب نوشته شود مثلاً در قانون اساسی که وظایف مجلس را معین کرده است دیگر مسائل راجع به نظامات مجلس را ننوشته است آنرا باید مجلس شورای ملی در نظامنامه خودش بنویسد و اگر یک قدری آقایان تأمل بکنند تفصیل این مقرر در ماده قبل ذکر شده است و این یکسختی فوق العاده است که فقط رئیس کل به مزین داده و ربطی بسایرین ندارد برای اینکه به مزین ممکن است هم روزی مورد این مؤاخذات واقع بشوند و برای اینکه یک بازخواستی از آنها بشود که مساعده نکنند این حق را از برای رئیس کل معین کرده اند که او حق مؤاخذنه و بازخواست را از مزین داشته باشد حالا آن شرحی را که میگویند ما باید در یک قانونی که برای کلیه مجازات وضع می شود نوشت و این که دیوان محاسبات در نظامنامه داخلی خودش بنویسد.

مشیرالدوله - توضیحاتی را که آقای حاج آقا دادند ابتدا راجع به مطالب نبود و مرقانع نکرد ولی توضیحی را که آقای غیر دادند بنده بماده قبل اعتراض ندارم برای اینکه گذشته است بنده عرض میکنم که این که در این ماده نوشته شده است که کمیسیون که در انجام امور کوتاهی می نمایند رئیس کل حق مؤاخذنه را از آنها خواهد داشت از این ماده همچو می فهمم که رئیس کل حق مؤاخذنه را در بعضی موارد دارد حالا در آن مواردی که باید در مجلس عمومی دیوان محاسبات مطرح شود و به مجلس راپورت آن پیشنهاد شود عرضی ندارم ولی عرض میکنم در این مورد

که این حق بر رئیس کل داده می شود و با اختیار او میگذارد باید درجاتی برای آن معین کند که رئیس کل مطابق آن رفتار کند.

آقای میرزا مهر قاضی قلیخان اولاً بنده شکره را که آقای ارباب کبخی مثل زدن بنظامنامه داخلی مجلس بنده عرض میکنم که ابتدا این مثل صحیح نیست برای اینکه امضاء مجلس هیچ تفاوتی در بین آنها نیست فقط بکنفر رئیس معین میکنند برای حفظ انتظامات داخلی پس از آن رئیس باید درجاتی برای مؤاخذنه معین کند اما اینجا اینطور نیست بکنفر را بریاست کل معین میکنند سفر را بریاست محاکم و همچنین چند نفر مستشار و چند نفر مزین تعیین می نمایند و چون درجات هر یک محفوظ است هیچکدام از آنها نمی توانند آن اموری را که حق رئیس است در محاکم خودشان اجرا نمایند و یکی از آن امور همین حق مؤاخذنه است و تصور نمی کنم که آن هیچ شهبه درش باشد که کوتاهی میزین را تصویب نمیشود گفت این فقط بکنفروری است که ممکن است از طرف مزین بشود و برای مجازات آن همینقدر کافی است و الا تصویب یک مقام دیگری است و البته او هم درجاتی دارد و هم باید مجازاتش درجات داشته باشد این تصویب نیست بلکه تصور است و برای این دوطور مؤاخذنه در این جا معین شده است یکی اینکه در مرتبه اول رئیس کل او را بخواهد و شخصاً از او مؤاخذنه کند و اگر در ثانی باز تکرار کرد و رئیس کل دید که بخواهد شخصی او متنبه نشده است دهم ثانی با حضور رؤسای محاکم که خیلی اثرش زیادتر است و اسباب شرمندگی و خجالت او است از او مؤاخذنه میکنند و این مطلب گمان نمی کنم این اندازه قابل اشکال و مذاکره باشد اما در باب عزل که آقای مشیرالدوله فرمودند گمان نمیکنم که در این خصوص محتاج بمذاکره باشد برای اینکه در ماده ۲۰ مفصلاً نوشته شده است که عزل آنها را مجلس باید تصویب کند حتی اینکه این مسئله هم در آنجا ذکر شده است که اگر مجلس عمومی عزل و انفصال یکی از امضاء را تصویب کرد و مجلس شورای ملی منعقد نبود که راپورت آن به مجلس داده شود نا اینکه مجلس رد و قبول آن را معین کند موقتاً آن عضو محکوم از شغل خودش منصرف میشود تا اینکه مجلس شورای ملی که افتتاح شد تکلیف آنرا معین کند که منصرف است و باید دیگری بجای او انتخاب شود با اینکه باید بمقام خودش منصوب و مشغول بکار خودش باشد و در این صورت دیگر اشکالی در این خصوص نیست که محتاج بمذاکره باشد.

رئیس - مذاکرات بانده از کافی است و در این خصوص مذاکره بقدر کفایت بعمل آمد حالا باید رای بگیریم کسانیکه ماده ۳۱ را بطوری که کمیسیون پیشنهاد کرده است تصویب می نمایند بنام کنند (اغلب قیام نکردند و رد شد).

رئیس - در این صورت این ماده باید رجوع شود به کمیسیون بقیه شور در این قانون میماند برای جلسه آتی.

راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی فرات شد که چون جناب آقای حاج آقا اذن مرخصی سه ماهه خواسته بودند در غرض ذی حجه که کمیسیون عرایض منتهی بود حاضر شده پس از مذاکرات لازم اکثریت کمیسیون مرخصی سه ماهه ایشان را تصویب می نماید بانی بسته به برای مجلس است.

رئیس - چون عده برای اخذ رای کافی نیست رای در این خصوص میماند برای جلسه آتی به جلسه آتی روز سه شنبه و دستور آن شور در بقیه فنانون دیوان محاسبات است. حالا چون آقای وزیر است تقاضای جلسه خصوصی کرده اند بماده ۱۰ دقیقه تنفس جلسه خصوصی تشکیل خواهد شد (یکساعت از شب گذشته جلسه علنی ختم شد).

جلسه ۱۹۱

مذاکرات روز ۵ شنبه ۱۹ شهر ذیحجه الحرام ۱۳۲۸

مذاکرات روز ۵ شنبه ۱۹ ذیحجه ۱۳۲۸ مجلس دو ساعت ونیم قبل از غروب آفتاب بریاست آقای متین السلطنه نایب رئیس تشکیل شد. معاضد الملک صورت مجلس قبل رافراغت نمودند (غائبین جلسه قبل):

آقایان حسینی خان - آقامیرزا اسدالله خان - دمخدا - سردار اسعد بدون اجازه - دکتر علیخان با اجازه غایب - ممتاز الدوله - وحیدالملک - آقا شیخ محمد حسین زدی - آقا سید محمد رضا حاج مصدق الملک - شبانی - حاج شیخ اسدالله - سیه دار اعظم بوقوع مقرر حاضر نشدند.

نایب رئیس - در صورت مجلس الاحظاتی نیست؟

سلیمان میرزا - گمان میکنم که درجاتی که عده آراء را نوشته هیچ ذکری از آن عده اوراق سفید نشده در صورتیکه یک رای به اسم بکنفر ذکر شده باشد سی رای ناسی سه رای که ورثه سفید بوده است خوب بود همانطور که شرح داده اند این را هم مشروح می نوشتند تا معلوم باشد که چرا اکثریت تام بدست نیامد و به اکثریت نسبی قناعت شد این یک چیز غریبی خواهد بود که همین طور بسکوت بگذرد.

معاضد الملک - گویا حضرت والا التفات نفرمودند همانطور نوشته شده است.

ادیب التجار - در خصوص کمیسیون پروگرام عرض دارم با آن اهمیتی که به این کمیسیون دادند که پروگرام مشی دولت را بنویسند به مجلس بیاورند مدتی است هیچ خبر نداریم از فراری که شنیده ایم بعضی از آقایان امضاء آن کمیسیون حاضر نمیشوند همه رابه تسامح و دفع الوقت میکنند و حال آنکه مجلس این کمیسیون را با آن اهتمام معین کرده که هر چه زودتر پروگرام طریق مشی دولت را حاضر کرده به مجلس بیاورند مخصوصاً تقاضا میکنم و خواهش مینمایم آنها را که تعلل دارند و اسباب تعطیل این کار هستند اظهار مدارت تمام نمود و دیگر بنا بود که مستشارهای خارجی را و زرا اقدام بکنند در آوردن آن حامدی است که این مسئله از مجلس گذشته است و وزرا جرات اعمال اقدام با این مطالب نکرده اند در صورتیکه این یکی از اصلاحات اساسی مملکت است بتصدیق همه آقایان آوردن اینها لازم است چرا کوتاهی میکنند ملت را باید فهیید خوب است اطلاع بدهند که وزراء اقدامات خودشان را بر عرض مجلس رسانند.

نایب رئیس - در خصوص مستشارها مقرر از هیئت رئیسه وزراء اعطاء شده است.

آقای میرزا ابراهیم خان - تکراری است

از آقای معیر السلطنه فرمانفرمای آذربایجان راجع به تبریک هیدغیر مجاربه شده است.

دایورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به اجازه مرخصی سه ماهه آقای حاج آقا با تصویب کمیسیون فرات شد.

ایشنا راجع به مرخصی حاجی مصدق الملک فرات شد.

حاج مصدق الملک - بنده عرض می کنم مرخصی خودم را استرداد کرده بودم و هیچ گمان نمی کردم که مجلس بیاید و بهیشت رئیسه هم عرض کرده بودم.

نایب رئیس - حاج مصدق الملک عرض می کند مرخصی خودشان را استرداد کرده اند پس رای میگیریم در مرخصی آقای حاج آقا.

حاج آقا - بنده همانطوریکه در کمیسیون عرایض لزوم مرخصی خودم را ثابت کردم و اجازه دادید همانطور هم بعضی از آقایان عرض کردم ولی چون غالباً بعضی از اوقات در موضوع مرخصی بعضی از آقایان مذاکره می کنند بنده مطالب نیستم که در آن مذاکره شود مگر در یک مجلس خصوصی یا در اطاق تنفس اگر کسی توضیح بخواهد بنده توضیح خواهم داد والا همانطور رای بگیرند.

نایب رئیس - رای می گیریم به راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی که موکول برای مجلس کرده است اجازه مرخصی سه ماهه حاج آقا نماینده نارس را تصویب کرده است.

سلیمان میرزا - همانطور که آقای حاج آقا فرمودند بنده در کلبه موضوع مرخصیها اشکل دارم یعنی کلیه مرخصیها چون عددشان مخلوط و هر قدر بخواهند ممکن است و این را بنده باعث تعطیل مجلس دانسته و میدانم ولیکن یک اشکل دیگری این فرمایشات آخری حاجی آقا برای بنده تولید کرد و گمان میکنم که محتاج بمذاکره باشد زیرا با این اشکل نمی دانم چگونه می توان رای داد اگر یک مسافرت شخصی می خواهند بفرمایند گمان نمی کنم که اینقدر مهم باشد که دلایش را در مجلس خصوصی بگویند پس اینکه می فرمایند در مجلس خصوصی هر کس توضیح بخواهد اظهار میکنند گویا این دایر بر بعضی مطالب دولتی است که خیلی مهم بنظرشان آمده است و شاید مهم مهم باشد و بنده از آن اشخاصی هستم که رای نخواهم داد نه بر مرخصی ایشان بر هیچ مرخصی مگر اینکه یک دلیلی که خیلی مهم باشد بنظر من که میفرمایند اظهار بدارند پس خوب است امروز موقوف کنید رای در این مرخصی را تا اینکه در اطاق تنفس ما با بفرمایند بینیم شاید یک دلیلی مهم باشد آنوقت تک تغییر عقیده ای پیدا میشود و در این خصوص رای بدهیم.

حاج آقا - اگر چه در تمام موضوع مرخصیها بنده عرض کرده ام که مرخصی هر یک از نمایندگان بسته باینست که بیان عقیده کنند گفتگو کنند اگر قانع شدند که رای میدهند والا رای نمیدهند مرخصی یک اجازه است که باید دلایل لزوم او را با آقایان اظهار داشت همانطور که در کمیسیون عرض کرده ام و تصویب کرده اند شاید هم آنقدرها شخصی نباشد تمام

جهات لزومش و جهات دیگر هم که راجع بنوع داشته باشد و در مجلس رسمی هیچ نباید در خصوص یک همچو چیزی مذاکره کرد و بنده قبل از این هم بعضی از آقایان عرض کردم بنده این مطالب را لازم نمی دانم گفته شود اگر شخصی ایشان یادگیری بخواهند همانطور که عرض کردم در خارج یا در مجلس خصوصی توضیح میدهم و اگر لازم بماند که امروز در آن رای گرفته نشود بکنند برای روز دیگر که بنده هم تا آن روز دلایل خودم را عرض کنم.

نایب رئیس - در صورتیکه از برای امروز تا کذب نمی کنند بهتر این است بگذاریم برای روز شنبه در این موقع راپورت شعبه یک بمصوب ذیل فرات شد.

شعبه در دو ساعت از شب چهار شنبه ۱۸ ذیحجه گذشته در تحت ریاست آقامیرزا محمد علی خان تربیت نایب رئیس منتهی و بجهت کمیسیون نظامنامه انتخاب رای گرفته شد به اکثریت ۱۰ رای از ۱۹ رای آقای آقا شیخ اسمعیل هشترودی و بهیشت رای آقا محمد صادق طباطبائی منتخب شدند و چون آقای معاضد السلطنه از کمیسیون بودجه استعفا داده بودند آقای محمد صادق علی زاده به اتفاق آراء بجای ایشان انتخاب شدند و ادیب التجار از کمیسیون نفتیش نان استعفا داده بودند آقای حاج محمد صادق علی زاده به اتفاق آراء بجای مشارالیه انتخاب شدند.

ادیب التجار مغیر شعبه اول.

عریضه حاج مصدق الملک به استعفا از عضویت کمیسیون داخله فرات شد.

نایب رئیس - در آخر جلسه عرض ایشان انتخاب خواهد شد.

کاشف عرض بنده راجع به استعفا ادیب التجار بود که بجای آقای علی زاده انتخاب شدند ایشان استعفا دادند بنده تعجب میکنم با آن همه اصراری که در نفتیش و عمل نان داشتند و همه را ترغیب میکردند چرا خودشان استعفا داده اند.

ادیب التجار - چون آقای کاشف از باب استعفا بنده از کمیسیون نفتیش نان اظهار استعجاب کردند که با آن جدیتی که بنده از برای نان داشتم لازم بود که برای رفع استعجاب و شبهه ایشان و سایر نمایندگان عرض کنم لابد جهت داشته است که بنده استعفا داده ام اولاً کمیسیون نفتیش نان وظیفه اش نفتیش است غیر از این بنده وظیفه ای را تفهیدم یعنی نفتیش و عیوبات را که در آن خصوص بکنم و به مجلس راپورت بدهم و در آن خصوص هم کمیسیون نفتیش نان نفتیشات خودش را کرده و عیوبات را تفهیدم و یک ماه متجاوز بلکه چهل روز نباید بیشتر هم باشد عیوبات را آمد به مجلس گفت بعد از آنکه مجدداً بنده از شعبه اول انتخاب شدم و رفتیم آنجا مشغول رسیدگی شدیم با اینکه اختیاری نداشتم در آنجا خیلی مساعدت کردیم با اظهارات مالیه یعنی مجلس ما را معین کرده بود برای اینکه عیوبات امران را بگوئیم و ضمناً رفع آن عیوبات را بخواهیم دیگر دخل و تصرف نکنیم والا تصحیح

امران باقوه مجریه است یعنی راجع بوزارت مالیه داخله در چند جلسه که کمیسیون تفتیش منعقد شد بندهم حضور داشتم و وزارت مالیه اقداماتی نتوانستم بفرمایم بجهت اینکه بموجب سندی که بوزارت داخله خودشان داده بودند جهت چهار هزار خروار نوشته بودند سندشان موجود است (گفتند موضوع خارج است) باید این را بگویم که نمایندگان مجلس هم مستعضر شود بعد گفتند سی هزار خروار را ما میتوانیم بدهیم شش هزار خروار دیگر را باید مجلس اعتبار بدهد یعنی ضرورت را باید دولت متحمل بشود بعد از آن آمدیم چند جلسه هم گذشت نماینده وزارت مالیه اظهار داشت که این مقدار زیاد است بالاخره سی هزار خروار به اصرار کمیسیون تفتیش قبول کردند بعد از آن ما گفتیم که باید وزارتین مالیه و داخله هر دو حاضر شوند در کمیسیون تفتیش همین که آنها آمدند آقای صنبح الدوله گفتند که از گذشته ماصعبت نشود بجهت اینکه پنج روز است من وزیر شدم

نایب رئیس کفایت کرد .

ادیبالتجار - بنده باید بجهت استماعی خودم را عرض کنم در جلسه بعد آقای صنبح الدوله گفتند من بیست هزار خروار بیشتر نمیتوانم تمهید کنم در خصوص آن عیوبانی که در باب کمیسیون تفتیش اظهار کرده که ماهی یا صند شصت تومان نانوا باشی ها میخورند ابدأ اقدامی نشد باید مجازات شوند اگر مراد مجلس این است ما برویم بنشینیم و فقط نمایان کشیدن وصعبت کردن باشد ما بگوئیم چه بکنیم وزراء هم بنشینند نگاه کنند اگر مشولیت کردن کمیسیون تفتیش است بنده هیچ اعتماد ندارم این مشولیتش با وزارت مالیه است یک کلام میخواهم بگویم شش ماه است چرا خوابیدند و کتکرات نکردند و جنس دولت را نابود کردند طهران حالا که موقع زمستان است میگویند ۱۵ روز است وزیریم هیچ اعتمادی نمی شود چهار روز دیگر که عمل نان در این شهر بدتر از سال گذشته شد و گرفتار شدید آتوخت می فرماید بنده هیچ اعتماد ندارم باین بیانی که عرض شد کمیسیون شریک مشولیت وزراء بشوند باید از دو زبیری که مربوط بعمل هستند تصفیه نان را بخواهیم .

منمقد شده اند و کارها هم خیلی کم به آنها رجوع شده است و کاری نداشته اند و در مجلس مطالب نگذشته است ولی مسئله نظامنامه انتخابات چون یکی از مسائل مهم و مسلکی است بنده خیلی اهمیت میدهم و عقیده ام این است که اینطور انتخاب که از شبه اول و دوم شده است چون برخلاف مسلک و رویه بوده است قلم است باید تجدید انتخابات بشود و اگر صلاح بدانند از حالا بر رئیس اطلاع بدهند یا از ازشب از اول فروب تمام شبها جمع بشوند برای انتخاب جدید با هر روزی که صلاح میدانند مقصود این است که تمام اعضای مجلس بدانند که یک روز تمام شبها باید متعقد شوند و اعضای را که برای کمیسیون نظامنامه لازم است انتخاب نمایند که بعضی ها بدانند و بعضی ها ندانند که شبه کی متعقد خواهد شد و نمایانند و اکثریت نتوانند رای بدهند حالا اگر صلاح میدانند همین امشب طرف فروب و اگر نمانند بماند برای روز شنبه طرف فروب .

نایب رئیس - چون بعضی از نمایندگان که غایب هستند باید از این مطلب مسبق باشند بهتر این است که در روز شنبه قبل از افتتاح مجلس ۳ ساعت و نیم قبل از فروب این کار شروع شود .

محمد هاشم میرزا - چون بنده مخیر شنبه دویم هستم و شنبه دویم هم در شب ۱۸ منمقد شد در تحت ریاست آقای متین السلطنه رئیس شنبه و اعضا او که ۹ نفر بودند حاضر بوده اند غیر از دهخدا و حاجی میرزا زین العابدین قمی که مریض بودند و دیگران مثل آقا شیخ جعفر و غیره که در طهران نبودند تا اطلاعات بدهند و سابق هم همین ترتیب بوده است که هر کدام حاضر بوده اند اطلاع و هر کدام که حاضر نبودند همین که اکثریت حاصل می شد شروع ب مذاکرات و اخذ رای می شده است این ترتیب برای حاضرین منطقی است نه برای غایبین مگر این که ۳ ربع اعضا حاضر نباشند این تمام حاضر بوده بآن اندازه که بوده و درست رای داده شده است و اما این که می فرمایند مسئله مسلکی است صحیح است ولی مسئله انتخابات راجع با مورد مسلکی نبوده الان آقای مؤمن الملک اگر خواسته باشند بدانند هر کدام از اعضا مجلس در باره انتخابات چه عقیده دارند نمی توانند تعیین کنند مگر بعضی از آنها را که مذاکره کرده اند و الا همین و مفروض نیست مسئله مسلک در باب انتخابات اگر این طور است که هر کدام از آقایان چه مسلک دارند و عقیده ای که در باب انتخاب عضو دارند اظهار بدارند که چه باید کرد و الا از امروز که روز ه شنبه است تا روز شنبه فرقی نخواهد کرد و این انتخابی که شده است صحیح است و ابدأ نمی شود تجدید کرد و ابطال شبه اول و دویم را قرار بدهند و الا بنده که یکی از اعضای شنبه دویم هستم این انتخابی که در تحت ریاست و اعضای که حاضر بوده و منتخب شده صحیح می دانم تجدیدش را غلط .

نایب رئیس - مقصود آقای مؤمن الملک این بود که اکثریت شنبه اول باید حاضر باشند

شبه اول و دویم اعضای خود را برای این کمیسیون انتخاب کرده اند صحیح است بسا برین که باید روز شنبه اعضای این کمیسیون را انتخاب نمایند اطلاع داده می شود که روز شنبه ۳ ساعت و نیم شروب حاضر باشند برای انتخاب .

(در این موقع شروع بخواندن قانون دیوان محاسبات شد)

ماده ۳۲ - اعضای که موقتاً منفصل می شوند در مدت انفصال حق مقرر ندارند .

حاجی شیخ علی - یک اشتباهی برای بنده شد بجهت موقتی منفصل شدن اعضاء دیوان محاسبات این جا نوشته شده است اعضای که موقتاً منفصل میشوند در موقع انفصال حق مقرر ندارند انفصال آنها از وقتی تجویز می شود که مجلس عمومی از جمیع دیوان محاسبات تشکیل شود و تجویز کنند و پیشتر باید مجلس شورایی نمایانند انفصال وقتی خواهد شد که مجلس آن انفصال را تصدیق کند پس موقتاً ندارد این را توضیح نمایند .

فهریم الملک - آن انفصال نیست عزل است .

حاج شیخ علی - که اگر محاکم عمومی دیوان محاسبات حکم بر عزل اونمود اون منفصل می شود موقتاً تا وقتی که مجلس شورای ملی افتتاح شود این ماده قبل از این گذشته است و مخصوصاً همین طور نوشته است آتوخت بسا هست که بشود مجلس تصدیق نکند آن حکمی را که دیوان محاسبات در حق یکی از اعضاء کرده باشد آتوخت انفصال موقتی او چگونه می شود که حق مقرر نداشته باشد در صورتی می شود بگوئیم حق ندارد که مجلس شورای ملی انفصال او را که دیوان محاسبات حکم کرده تصدیق بکند نه اینکه بهمین موقتی منفصل بودن ما حکم کنیم که حق مقرر نداشته باشد .

فهریم الملک - آن چیز یک راجع شد به مجلس عزل اعضاء دیوان محاسبات بود ربطی بانفصال موقتی ندارد در ماده ۳۰ گفته شد و راجع بعزل آنها ذکر شد در ماده دیگر ذکر شد که دیوان محاسبات حق مؤاخذة و انفصال موقتی را نسبت بآنها خواهد داشت درباره عزل باید بمجلس شورای ملی اطلاع بدهد و موافق ماده ۳۰ رفتار خواهد شد یعنی به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند اما انفصال موقتی این است که خلاقی از یکی از اعضاء دیوان محاسبات ظاهر شود برای تنبیه یک ماه یا بیشتر موقتاً ادرا انفصال میکنند و این انفصال موقتی که یکی از مجازات تصصیرات اداری است چیزی نیست که در این خصوص این همه مذاکره شود فقط در آن انفصال حق مقرر نخواهد داشت .

نایب رئیس - پس رای میگیریم بر ماده ۳۲ بطوریکه قرائت شد کسانی که موافقت قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) .

ماده ۳۳ بقرار ذیل قرائت شد :

ماده ۳۴ - اعضاء دیوان محاسبات در هر يك از معاملات دولتی نباید دخالت نموده باواسطه شوند .

وکیلالتجار - بنده گمان میکنم که در مورد تمام مستخدمین ادارات دولتی این ماده را نباید

نوشت والا این يك استثنائی می شود و صحیح نیست زیرا در این ماده شرایط عضویت ادارات را ذکر کرده است باین معنی کسانی که دارای شغل دولتی یا متمدنی امر دیگری بوده باشند حق عضو شدن ندارند ماده ۳۳ را که خوانده شد تا واسطه شدن در مسئله معاملات دولتی کفایت میکند و اینکه نوشته است علاوه واسطه واقع شوند چندان اهمیتی ندارد این جزء معاملات نیست و چندان مدخلیتی ندارد که داخل در معاملات دولتی بشوند .

فهریم الملک - این ماده فقط راجع باین است که آن شخص دارای شغلی نباشد چون تمام صاحب جمع های دولتی ممکن است معاجا که شوند در رسیدگی بحساب آنها بشود در این صورت کسیکه واسطه کار آنها باشد اشکال خواهد شد که خودش در دیوان محاسبات باشد .

وکیلالتجار - این منحصر است و می فهماند که سایرین حق دارند .

فهریم الملک - عجباً این قانون مال دیوان محاسبات است ربطی بسایر ادارات ندارد .

ارباب کبخسرو - بنده بنظر من آید که ایرادی که یکی از اعضاء کردند صحیح است همان ماده ۲۳ برای دخالت نکردن کفایت می کند در هیچ يك از معاملات دولتی نباید دخالت نمایند این دخالت خیلی چیزها می فهماند مثلاً شاید در محاسبات دولتی که مبنی بر معاملات است نمی تواند دخالت کند حرف این است که همین جا واضح تر بنویسند که دخالت نداشته باشند و نگذارند در معاملات دولتی وساطت نمایند .

نایب رئیس - کسانی که ماده ۳۳ را تصویب می کنند قیام نمایند .

(اغلب قیام کردند اکثریت حاصل شد)

ماده ۳۴ بمضمون ذیل قرائت شد :

ماده ۳۴ - هر روزه اعضاء دیوان محاسبات اسامی خود را در کدجه مخصوص که در دفتر خانه برای این امر ضبط است امضاء نموده وساعت ورودشان را می نویسند .

فهریم الملک - این ماده چون راجع بنظامنامه است خوب است حذف شود .

نایب رئیس - متعنی هستم رعایت مجلس بشود و آقای مخیر تقاضای حذف ماده ۳۴ را نمودند پس می توانیم ماده بعد را بخواهیم کسانی که تصویب می کنند ماده ۳۴ حذف شود قیام نمایند .

(اغلب قیام کردند و به اکثریت تصویب شد)

ماده ۳۵ بمضمون ذیل قرائت شد :

ماده ۳۵ - مرخصی اعضاء دیوان محاسبات تا سه روز به اجازه رئیس کل خواهد بود و علاوه بر آن بسته به اجازه مجلس عمومی است و این در صورتی است که رئیس کل و مدعی العموم تصدیق بدهند که غیبت عضوی که مرخصی می خواهد باعث نکت کار نخواهد شد .

آقا محمد - عبارات و علاوه بر آن بسته است به اجازه مجلس عمومی این یعنی چه خوب است بفرمائید تعیین شود یعنی به اتفاق رئیس مجلس عمومی یا مجلس عمومی خوب است توضیح شود .

میرزا مرتضی قلیخان - بنده عرضم این بود که اگر باید حذف شود از ماده ۳۴ تا ماده ۳۶ راجع بنظامنامه است باید حذف شود .

حاج عز الممالک - اینکه گفتند این جزء نظامنامه است بنده لازم میدانم که در این قانون نوشته شود اگر چه اینکه در قانون نوشته شده است راجع بدستخطی است که به اصطلاح قرنکی ها (دیگره) میگویند .

حاج سید ابراهیم - همان نکت بهتر از تعطیل است بجهت اینکه محکمه نباید تعطیل بشود و لیکن آنطوری که باید جریان داشته باشد ندارد سستی و مسامحه مقصودشان است نه تعطیل .

حاج عز الممالک - بنده هم خواستم مرخصی که تعطیل عوض نکت نوشته شود بجهت اینکه نکت اهم است .

میرزا مرتضی قلیخان - بنده این ماده را بعین جزء نظامنامه داخلی می دانم و معدالتک صلاح نمی دانم مجلس در آن رای بدهد .

فهریم الملک - اینکه می فرمایند راجع بنظامنامه داخلی است در صورتیکه يك ماده در ترتیب حقوق رئیس و ترتیب تعطیل آنها نوشته شود که بارتیس کل است یا بمجلس عمومی است زیرا در هیچ جا این مسئله قید نشده است این باید معلوم و لو اینکه نوشته شود ترتیب مرخصی آنها در نظامنامه داخلی خواهد بود علی ای حال باید در اینجا معلوم شود که تکلیف این مطلب چیست بمجلس عمومی یا بارتیس کل است یا با یکی است از این جهت اینجا این طور نوشته شده است در صورتی هم که با يك قانون دیگری باشد اگر اینجا بنویسیم واضح تر خواهد بود .

حاج آقا - بنده با آقای مرتضی قلیخان در این مطلب موافقم که ماده ۳۶ و ۳۵ طبعاً جزء نظامنامه داخلی است و مطالبی که در نظامنامه داخلی می توان شمرد بر واسطه اهمیتش در قانون مخصوصاً نوشتیم و از مجلس گذشته است ملاحظه بفرمائید این ماده و ماده بعد که تعیین کرده است يك عده مخصوص را که قدرت از اعضاء مرخصی بگیرند و تا چه اندازه ممکن است مرخصی شوند و ترتیب مرخصی چیست این اگر يك چیزی است که اگر بدیوان محاسبات واگذار شود شاید آنطوری که مقصود است بجریان وسهولت کار موفق نشویم باید اینجا نوشته شود که اطمینان پیدا کنیم باینکه کار بسهولت جریان پیدا خواهد کرد .

میرزا مرتضی قلیخان - بنده این مطلب را نمی فهمم که این مطلب طبعاً اینطور است لکن باید حالا آنطور شود هیچ حالیم نمی شود که طبعاً جزء نظامنامه باشد و حالا جزء قانون قرار بدهیم آن قدری را که آقای مخیر فرمودند بنده هیچ قبول نمی کنم که ما نباید اختیار را بر رئیس بدهیم بجهت اینکه اگر لازم است در نظامنامه نوشته شود که نظامنامه داخلی را باید رئیس با اطلاع مجلس عمومی تدوین کند نوشته شود و اگر بگوئیم چه ضرر دارد که این را بنویسیم در اینجا در نظامنامه هم داخل کنیم

مرض می کنم در صورتی که یقین داریم که چندماده دیگر باید در نظامنامه بنویسیم اگر يك ماده را در اینجا بنویسیم بی جهت قانون لغو خواهد شد

حاج آقا - آقای آقا میرزا مرتضی قلی خان درست انصاف نکردند و الا تصدیق می کردند که مطلب همین است بواسطه اینکه در ثبت اسناد فراموش نکردند که خیلی از مواد بود که همه تصدیق کردند که آن مواد جزء نظامنامه داخلی است ولی بواسطه جریان و تشدید مبانی کار به آن مواد رای گرفتند برای استحکام مالاگر این را واگذار کنیم بدیوان محاسبات و مجلس عمومی مطمئن نیستیم بجهت اینکه اعضاء دیوان محاسبات برای سهولت کار خودشان شاید بیشتر مقرر کنند چه ضرر دارد در اینکه این دو ماده را که ما خیلی خیلی توجه به آن داشتیم که مسخلیت در جریان کار دارد در قانون بنویسیم و سایر مطالب داخلی را اینقدر اهمیت ندهیم دیگر اینکه چون خودشان می نشینند و نظامنامه داخلی را می نویسند در باب مرخصی و تکلیف مرخصی اگر بخود آنها واگذار شود آنطوری که مقصود ماست شاید دقت در آن نشود و این مطلب خیلی اهمیت دارد و همین طوری که در ثبت اسناد گذشت در باب مرخصی اینهم همان طور باید بشود

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - این اشتباه است در کلیه ادارات برای مرخصی اعضاء قانون است و باید معین شود که رئیس آن اداره بدانند تا چه اندازه می تواند مرخصی بدهد و چقدر می تواند رخصت بدهد استخدام علی است و مزدی در ازاء آن می دهند و باید وقتی که مرخصی میدهند بدانند اسباب تعطیل مزار نمی شود و باید رخصت بدهد که بتواند برود بدون رخصت نمی شود و این قانونی است باید در نظامنامه باشد

نایب رئیس - پس در هر حال رای می گیریم کسانی که ماده ۳۵ را تصویب می کنند قیام نمایند .

(اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت حاصل شد

ماده ۳۶ بمضمون ذیل قرائت شد :

ماده ۳۶ - همیشه باید دولت از کلیه اعضاء حاضر باشند و اجازه مرخصی به بیش از يك نالت اعضاء دیوان محاسبات داده نخواهد شد

حاج سید ابراهیم - خوب است در این جا يك کلمه اضافه کنند که همیشه دولت از کلیه اعضاء هر يك از محاکم برای اینصفت بسا می شود يك محکمه اش تعطیل بشود .

فهریم الملک - مقصود حضرت عالی را درست ملتفت نشدم هر دو نالت از اعضاء دولت را برای چه میخواهند پس معلوم می شود هیچ محکمهای تا سه نفر حاضر نباشند متعقد نمی شود این را گفته اند برای کلیه اعضاء دیوان محاسبات باید اقلاً دولت حاضر باشند .

آقا سید حسین اردبیلی - بنده هم لازم است یاد آوری نمایم که این ماده هم مثل مواد سابق است و باید جزء نظامنامه داخلی باشد

ولی از فرط اهمیتی که دارد و اسباب اشکال خواهد شد باید قید شود و در قانون باشد مثل اینکه عده قابل رای در قانون اساسی معین شده باید این عده هم معین باشد این ماده جزء نظامنامه داخلی شود

آقا شیخ اسدالله - چون بنده ملتفت نشدم فرمایش آقایان را دانم موافق با ایشان هستم یا مخالف از این جهت لازم می دانم که عقیده خودم را عرض کنم اینجا نوشته شده است که دو ثلث از اعضا باید حاضر باشند بصاهت در یک محکمه تمامش که زیاد تر از سه نفر نیست اجازه بخواهند و آن رئیس کل بمقتضای این ماده اجازه بدید و محکمه بکلی تعطیل باشد این خلاف مقصود است باید کلیه محاکم مشغول باشند و در آن ماده پیش می گوید هرگاه نکتی در کار باشد می توانند اجازه ندهند و در اینجا می نویسند که بیشتر از دو ثلث باید همیشه حاضر باشند و بنده این ماده را که این عبارت نوشته شده است نمی فهمم باید معین کند که یک ثلث محکمه اگر چه این باز اسباب تعطیل محکمه میشود ولی یک قسمتی اینجا بنویسند که کلیتاً باعث تعطیل محکمه نباشد .

فهم الملک - بیشتر از این مقداری که در اینجا نوشته شده است نمی شود داخل در جزئیات ترتیبات یک قانونی شد مقصود از این ماده کدر اینجا نوشته شده است اینست که مرخصی او بدلیل صحیح هم باشد نتوانند بدهند که یک وقت ملتفت شوند که دو نفر باقی مانده است و طوری نشود که کاری پیشرفت نکند فقط مقصود این بوده است حالا این راجع است بر رئیس دیوان محاسبات که از اعضاء دیوان محاسبات چقدر مرخص کند و از معینین چه عده ای و از معاکم چقدر این یک چیزی است که بسته بنظر رئیس و مجلس عمومی است که اجازه خواهند داد که اسباب نکت کار نشود و برای اینست که اسباب تعطیل می شود اجازه نخواهد داد در قانون نمی توانیم بنویسیم که رئیس چند نفر را می تواند اجازه مرخصی بدهد فقط بطور کلی می توان گفت که در باب مرخصی اعضاء کلیه معاکم پیش از یک ثلث را می توان اجازه مرخصی قانونی داد و عرض کردم که این منوط بنظر رئیس است بیش از این در قانون نمی توانیم ذکر کنیم که بیش از یک ثلث نتوانند اجازه بدهند .

حاج عز الممالک - اگر چه این ماده در کمیسیون گذشته است و بنده هم بودم ولی بنده یک اشکالی دارم که ناچارم از این که عرض کنم با گذشتن ماده قبل این ماده لزومی ندارد بجهت این که ما معین کردیم عضوی که مرخصی میخواهد باعث نکت و تعطیل کار میشود این عضو اجازه مرخصی داده نخواهد شد مخصوص یک ماده بطور کلی نوشته شده که بطور کلی بودن از رؤسای معاکم یا کسانی باشد که عضویت آنها دخیل است در اکثریت برای محکمه پس خوب است بهمان ماده سابق اکتفا بشود .

فهم الملک - اینطور نیست ممکن است که در یک محکمه کار نداشته باشند که اسباب تعطیل کار بشود ممکن است یک عده ای هم از معینین مرخصی بگیرند و بروند مثلا زوی هم رفته

۱۱ نفر میخواهند مرخصی بگیرند بروند ما یکی مشغول کار خواهند بود شاید این یکی هم با آنها همراهی کند یک ثلث بلکه نصف آنها مرخصی بگیرند بیش از یک ثلث را نباید مرخص کنند علاوه بر دو ثلث را اگر مرخصی بخواهند هم از اینکه کار داشته باشند یا نداشته باشند نباید اجازه بسند و آنها اگر خواستند باز بروند منوط باین است که اسباب نکت کار نشود والا اجازه نباید داده شود .

آریاب کیخسرو - بنده با اصل این ماده مخالفی ندارم ولی در بعضی از مطالب بعضی نظریاتی دارم برای اینکه نوشته شده است که همیشه باید دو ثلث از اعضاء حاضر باشند نمی توانند هم چه حکمی بکنند که دو ثلث اعضاء باید حاضر باشند باید تمام اعضاء حاضر باشند باید نوشته شود هیچگاه نمی توانند اجازه مرخصی به بیش از یک ثلث اعضاء دیوان محاسبات داده

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم که همین وقت این که اجازه بیش از دو ثلث باعث تعطیل کار هست یا نیست یا اینکه نباید پیش از دو ثلث اجازه داد این باید اینطور نوشته شود هرگاه اجازه مرخصی از رئیس باعث نکت کار دید اجازه نمی دهم این را بر رئیس کل و مدعی العموم و اگر گذاریم اگر رجوع بتصدیق آنها بکنیم دیگر لزوم ندارد که تجدید دولت یک یا بیشتر یا کمتر بشود خوب است و اگر گذار کنیم به آنها پس از آنکه واگذار کردیم بنظر رئیس کل و مدعی العموم صحیح میشود و در صورتیکه تعطیل می شود نباید مرخصی داد ما رجوع می کنیم بمدعی العموم چه در دیوان محاسبات چه در معاکم باشد و این ماده را بنده دیگر هیچ لازم نمی دانم .

شاهزاده حیدر میرزا - بنده هم نظرم نظر آریاب بود که پیش از یک ثلث اجازه نخواهند داد پس نوشته شود که همیشه باید همه حاضر باشند و منتهی اجازه یک ثلث داده خواهد شد در آن ماده رای داده شده است کلیه رجوع داده ایم این امر را بتصدیق رئیس کل و مدعی العموم .

حاج آقا - چند مرتبه این توضیح داده شده بنده تعجب می کنم آنها اینکه از اعضاء کمیسیون بوده اند درست ملتفت نشده اند از این مسئله بجهت اینکه دو مقصود داریم در این ماده قانونی یکی این است که مطلقاً بیشتر از یک ثلث ممکن نیست که مرخصی بگیرند چه باعث تعطیل کار بشود یا نشود این یک مطلب لکن عده این است که از یک هیئتی که خیلی کارشان اهمیت دارد بیش از یک ثلث نباید اجازه داده شود این یک نظر اساسی است والا اگر دو نفر هم بروند دیگر هیئتی باقی نمی ماند این راجع بدو نظر است و این مرتبه ایداً نیست به نکت کاریا تعویق و تعطیل شدن این یک نظر دیگری است و آن این است که از همان اشخاص که قابل این هستند که به آنها مرخصی داده شود یعنی در آن عده اعضایی که بواسطه مرخصی آنها نکتی و تعطیلی بدیوان محاسبات وارد آید که قابل مرخص شدن نیستند والا این دو مطلب هیچ به هم دیگر مربوط نیستند تا قناعت کنیم بهمان ماده که گفتیم اگر

اسباب تعطیل کار نشوند قابل اجازه هستند ممکن است که بیش از نصف هم اجازه بگیرند آنوقت بلکه نمائند از اعضاء دیوان محاسبات مگر یک مستشار و دو نفر رئیس محکمه ما نظرمان بود و مطلب است یکی آنکه یک ثلث بیشتر اجازه نباید داد یکی آنکه باید ملاحظه تعطیل کار را کرد .

(در این موقع اصلاح آریاب کیخسرو بمضمون) ذیل قرائت شد

ماده ۳۶ رابنده این قسم اصلاح آن را تقاضا می کنم (هیچگاه نباید اجازه مرخصی به بیش از یک ثلث از اعضاء دیوان محاسبات داده شود) .

فهم الملک - اینجا بنده تصور می کنم که اگر آن جمله اولی را حذف کنید اشکال رفع خواهد شد و همینقدر نوشته شود اجازه مرخصی به بیش از یک ثلث اعضاء دیوان محاسبات داده نخواهد شد مجدداً ماده ۳۶ بحذف جمله اول عبارت ذیل قرائت شد

ماده (۳۶) - هیچوقت اجازه مرخصی به بیش از یک ثلث اعضاء دیوان محاسبات داده نخواهد شد تعطیل کار هست یا نیست یا اینکه نباید پیش از دو ثلث اجازه داد این باید اینطور نوشته شود هرگاه اجازه مرخصی از رئیس باعث نکت کار دید اجازه نمی دهم این را بر رئیس کل و مدعی العموم و اگر گذاریم اگر رجوع بتصدیق آنها بکنیم دیگر لزوم ندارد که تجدید دولت یک یا بیشتر یا کمتر بشود خوب است و اگر گذار کنیم به آنها پس از آنکه واگذار کردیم بنظر رئیس کل و مدعی العموم صحیح میشود و در صورتیکه تعطیل می شود نباید مرخصی داد ما رجوع می کنیم بمدعی العموم چه در دیوان محاسبات چه در معاکم باشد و این ماده را بنده دیگر هیچ لازم نمی دانم .

(بند دوم) - حدود و وظائف دیوان محاسبات (فصل اول) در کلیات وظائف دیوان محاسبات .

ماده ۲۷ و ۲۸ پیشنهاد وزیر به عبارت ذیل خوانده شد

ماده ۲۷ - دیوان محاسبات حساب های صاحبان جمع جنسی و نقدی را رسیدگی و تصفیه کرده مقاصد می دهد صاحبان جمع جنسی آنها را هستند که هر ممواد غیر از نفوذ ابواب جمع آنها است

ماده ۲۸ - دیوان محاسبات در کلیه مخارج دولتی تقشیر و در وصول مایدات دولت نظارت می نماید .

کمیسیون این دو ماده را اینطور پیشنهاد کرده بود :

ماده (۳۷) - دیوان محاسبات موافق قوانین و قواعد مقرر در کلیه عایدات و مخارج اموال دولت نظارت و تقشیر می نماید .

محمد هاشم میرزا - آن تبصره ای که در پیشنهاد وزیر خوانده شد که معنی صاحب جمع نقدی و جنسی چیست حذف شده است در صورتیکه عقیده بنده این است چون تغییر اصطلاح لازم است نوشته شود در جهت حذف شده است .

فهم الملک - در اینجا موافقت نیست در اجازه داده شود این یک نظر اساسی است والا اگر دو نفر هم بروند دیگر هیئتی باقی نمی ماند این راجع بدو نظر است و این مرتبه ایداً نیست به نکت کاریا تعویق و تعطیل شدن این یک نظر دیگری است و آن این است که از همان اشخاص که قابل این هستند که به آنها مرخصی داده شود یعنی در آن عده اعضایی که بواسطه مرخصی آنها نکتی و تعطیلی بدیوان محاسبات وارد آید که قابل مرخص شدن نیستند والا این دو مطلب هیچ به هم دیگر مربوط نیستند تا قناعت کنیم بهمان ماده که گفتیم اگر

فهم الملک - اینطور نیست ممکن است که در یک محکمه کار نداشته باشند که اسباب تعطیل کار بشود ممکن است یک عده ای هم از معینین مرخصی بگیرند و بروند مثلا زوی هم رفته

دیوان محاسبات مراتب خواهد بود که تصدیقان تقود و اجناس دولت یا با یک ضامن معتبری تأمین شوند و یا هیئت مخصوصی از مشفقین امات آنها را بدهد بگیرند کمیسیون پیشنهاد را بواسطه اینکه ممکن الاجراء ندانسته بود حذف کرده بود .

فهم الملک - ترتیب صاحب جمع های یک قانون مخصوصی لازم دارد یکمندی از آن در ضمن قانون ثبت اسناد مذاکره و شور شد و همین طور یک قانونی باید بنویسند برای این کار و این کار امروز در این مملکت قابل اجرا نیست زیرا که اگر شما یک امروز یک مأموری را بخواهید در اداره مالی داخل خدمتی بکنید مطابق این ترتیب باید ضامن بدهد یعنی یک شخص معتبری بیاید ضمانت بکند که اگر این صاحب جمع خیانتی کرد او یک پول هم باشد او از عهده بر آید این اگر چه یک ترتیب قانونی بسیار صحیحی است و باید هم همینطور باشد ولی این ترتیب گمان نمیکنم امروزه دولت بتواند بیکطرف مستخدم صحیح در ادارات خود داخل نماید برای اینکه این ترتیب تا سال در این مملکت معمول و مجری نبوده است ممکن است اشخاص خیلی صحیحی باشند که هیچ تقابلی نداشته باشند ولی کسی ضمانت آنها را نکند و همچنین ممکن است اشخاصی باشند که صحیح و درست کار نباشند و بعضی ها ظاهر از آنها ضمانت بکنند و اسباب اشکال شده و نتیجه خوبی بدست نیاید پس برای اینکار باید بعد از این یک قانونی بمقتضیات وقت نوشت برای اینکه اغلا باید یک چیزی ولو ناقصاً قبلاً مجری و معمول بشود تا اینکه بجزان و مطابق آن یک قوانین صحیحی برای آن نوشت و تا امروز وزارت مالی یک ترتیبی را برای اطمینان در عمل مالی معمول داشته است که از بعضی ها ضامن میگرفته است و از بعضی ها اطمینان حاصل میگرفته است و اگر یکی دوسال هم این ترتیب را برای تأمین و اعتبار صاحبان جمع و سایرین مجری و معمول دارند آنوقت می توانیم که یک قانون صحیح مفصلی برای اینکار بنویسیم که قابل اجرا باشد ولی امروز به اینکه بگذاشته فقط در اینجا بنویسیم گمان نمیکنم که آن مقصودی را که مجلس در نظر دارد بعمل بیاید و هیچ فایده نخواهد داشت بهترین است که چنانچه این مطلب را بگذاریم تا اینکه بنییم این ترتیبی را که وزارت مالی پیش گرفته است در این مملکت چه جور پیشرفت میکند و آنوقت یک قانونی همان طور که برای ثبت اسناد نوشته شد برای اینکار هم بنویسیم جریان پیدا کند .

فهم الملک - عرض میکنم اینکه گفته میشود قانون را باید بمقتضای زمان نوشت و امروزه وضع مملکت مقتضی نیست که این قانون را بگذاریم بنده عرض میکنم که مخصوصاً امروز مقتضی است که یک هیچ قانونی را بگذاریم و وضع کنیم برعکس وقتی که اخلاق مردم صحیح شد دیگر لازم نیست که قانونی بنویسیم که باید ضامن بدهند پس بعقیده بنده لازم است که امروزه در قانون بنویسیم که هر کسی میخواهد داخل ادارات بشود باید ضامن داشته باشد و از او ضامن بگیرند و اینکه یک کسی بخواهد داخل یک اداره ای بشود و نتواند در یک شهر بزرگی بکنفر را بگذارد که ضمانت او را بنماید چه شخصی را بنماید داخل اداره ای کرد برای اینکه هیچ کسی باید یک آدم خیلی بی معنی باشد که هیچکس پیدا نشود ضمانت او را بکند پس بعقیده بنده این قانون را خیلی لازم است که وضع کنیم و نباید از این ماده که در لایحه وزیر پیشنهاد شده است صرف نظر نماییم .

فهم الملک - قسمت اول از عرض بنده را آقای آقا شیخ رضا بیک جمله دیگری ملحق کردند این که بنده عرض کردم که مقتضیات وقت اجازه نمیدهد که امروز این قانون را بنویسیم مقصود نه این بود که اعتبارات مملکت امروزه بقدری زیاد است که ما نباید از مأمورین حالیه ضامن و اعتبار بخواهیم تا اینکه ایشان بفرمایند این قانون برای امروز لازم است وضع شود و نباید این ماده را از اینجا حذف کرد مقصود بنده از عدم موفقیت بنویشتن هیچ قانونی این نبود که بکنفر پیدا نمیشود از یک کسی که میخواهد داخل اداره مالی بشود ضمانت بکنند بلکه مقصود این بود که این ترتیب هنوز معمول نشده و در ادارات دولتی متداول نیست و اخلاق اهل مملکت بترتیب آن آشنا نیست و با این ترتیب اجرای آن خیلی اسباب اشکال خواهد بود اینک میفرمایند یک نفر آدم چطور میشود که در یک هیچ شهر باین بزرگی یک نفر نتواند از او ضمانت کند این حرف بهسب ظاهر خیلی خوب است و همه تصور میفرمایند که بکنفر آدم است و در شهر طهران است اگر اینطور باشد خیلی سهل است ولی این بکنفر آدم نیست و در شهر طهران هم نیست عدل زیادی بایم تصدیق این کار شوند اقلی هم در ولایات هستند و هر کدام ضامن باید بدهند و تمام شرایط باید بعمل بیاید و عرض کردم که اشخاصی هستند خیلی خوب کار میکنند و تقبل هم ندارند ولی کسی آنها را نمیباشد که ضمانت نماید و آنکهی این کار امروزه بعضی معایب دیگری دارد که آقایان باید ملتفت باشند و آن این است که تا بحال این

فهم الملک - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم بدهند حالا در صد نفر چطور بشود که یک نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و مملکت تقبل کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد .

محمد هاشم میرزا - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم بدهند حالا در صد نفر چطور بشود که یک نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و مملکت تقبل کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد .

فهم الملک - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم بدهند حالا در صد نفر چطور بشود که یک نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و مملکت تقبل کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد .

فهم الملک - عرض کردم این کار محسناتش خیلی است قانون ندارد و به این هم که یک کلاه فقط در اینجا بنویسیم مقصود را که در نظر داریم بعمل نیاید برای اینکه فقط یک مسئله ضمانت نیست اعتبار هم میخواهد ضامن از هم شرایط دارد پس یک ترتیب مفصلی دارد که باید در یک قانون مستقلی نوشته شود و امروزه هم وضع این مملکت مقتضی وضع چنین قانونی نیست و در صورتی هم که لازم باشد باین مقتضی نباشد اکتفا کرد همانطور که عرض کردم باید مفصلاً نوشته شود .

آقا شیخ رضا - عرض میکنم اینکه گفته میشود قانون را باید بمقتضای زمان نوشت و امروزه وضع مملکت مقتضی نیست که این قانون را بگذاریم بنده عرض میکنم که مخصوصاً امروز مقتضی است که یک هیچ قانونی را بگذاریم و وضع کنیم برعکس وقتی که اخلاق مردم صحیح شد دیگر لازم نیست که قانونی بنویسیم که باید ضامن بدهند پس بعقیده بنده لازم است که امروزه در قانون بنویسیم که هر کسی میخواهد داخل ادارات بشود باید ضامن داشته باشد و از او ضامن بگیرند و اینکه یک کسی بخواهد داخل یک اداره ای بشود و نتواند در یک شهر بزرگی بکنفر را بگذارد که ضمانت او را بنماید چه شخصی را بنماید داخل اداره ای کرد برای اینکه هیچ کسی باید یک آدم خیلی بی معنی باشد که هیچکس پیدا نشود ضمانت او را بکند پس بعقیده بنده این قانون را خیلی لازم است که وضع کنیم و نباید از این ماده که در لایحه وزیر پیشنهاد شده است صرف نظر نماییم .

فهم الملک - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم بدهند حالا در صد نفر چطور بشود که یک نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و مملکت تقبل کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد .

فهم الملک - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم بدهند حالا در صد نفر چطور بشود که یک نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و مملکت تقبل کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد .

فهم الملک - بنده هم عرض میکنم که در خیلی از نقاط این ترتیب معمول است و در غالب نقاط هم خیلی ممکن است و ضامن هم بدهند حالا در صد نفر چطور بشود که یک نفر پیدا شود که ضامن هم داشته باشد و مملکت تقبل کند از این جهت بنده عقیده ام این است که این ماده لازم است و این قانون به این خوبی را نباید حذف کرد .

عنوانات در این مملکت نبوده است که ضمانت مستخدم ماله دولتی را بنماید و ابتدا نخواهند اینطور ضمانت را کرد ما باید قانونی را که می نویسیم مجرا هم بکنیم یا اینکه همان نوشتن باشد و مجرا نشود و اگر مجرا نباید بشود که بنده میدانم جز اتلاف وقت چه فایده دیگری خواهد داشت پس بهترین است که حالا متمماً همان طوری که عرض شد و گذارشود بنظر وزارت ماله و دیوان محاسبات هم نظری خواهد داشت و وقتی که یک قدری تجارب حاصل شود و مردم هم ملتفت بعضی نکات قانونی آن شدند یک قانون صحیحی برای این کار نوشته خواهد شد اما حالاً عرض میکنم که با مقتضیات امروزه نمیشود یک چنین قانونی را وضع کرد یعنی از این جهت که یک کسی پیدا شود و ضامن یک مأمور ماله بشود باین طریق که اگر حسابش کسری پیدا شد یا خیانتی کرد آن ضامن از جیب خودش بدهد بنده نمی بینم و باین سهولت گمان نمی کنم از برای کلیه صاحبان جمع میتوان ضامن پیدا کرد .

حاج سید ابراهیم - بنده هم موافقم با راپورت کمیسیون ولی میخواستم عرض کنم آنچه را که وزیر پیشنهاد کرده است جزء قانون اداره ماله است ربطی بقانون ثبت اسناد ندارد .

میرزا یونس - بنده از دو حیث مخالفم با آقایانی که میفرمایند باید اعضاء مستخدمین ضامن گرفته شود یکی اخلاقی دیگری شرفی اول از حیث اخلاقی این است که کسی میخواهد وارد یک اداره بشود قبل از اینکه خلاف کرده باشد شما احتمال خلاف درباره او میدهید برای اینکه با او میگوئید ضامن بده و این صحیح نیست مگر بدهد از خلاف او که آنوقت شایق دارید با او بگوئید که خلاف کرده و باید ضامن بدهد ولی کسی که خلاف نکرده است بشرف انسانیت او بر میخورد که بگوئید باید ضامن بدهد یک مخالفت دیگری هم که دارم این است که مسئله ضمانت را آخر الامر بهر چه که برگردانید بوجه نقد ترجمه خواهد شد یعنی این ضامن باید ضمانت کند که اگر خیانت کرد فلان مقدار بدهد و این اسباب این می شود که هر کس که دوست پولدار دارد داخل کار بشود و جوانان دست ما که لیاقت کار را ندارند ولی پولی ندارند بیکار بمانند و این یک بی انصافی خیلی بزرگی است که ما بهیچوجه نمی توانیم قبول بکنیم این ماده در این قانون باشد و مردمان بزرگ کافی بی پول را در کارهای بزرگ دولتی که موجب ضمانت می شود داخل ننمایند .

آقا شیخ ابراهیم - این واضح است که شرایط مستخدمین ماله را اینجا نمی خواهند بگویند جایش هم اینجا نیست این ماده برای این است که این دیوان محاسبات نظارت و مراقبت داشته باشد که مستخدمین وزارت ماله دارای آن شرایطی که لازم است باشند حالا آن شرایط چه باشد ضامن که باشد و چطور باید ضمانت نمایند آنها را باید علیحده نوشت ربطی باین قانون ندارد .

حاج آقا - در این ماده تمام مستخدمین ادارات دولتی خصوصاً در این نمره ادارات که راجع است بامور ماله دولت باید در موقع دخول خودشان